

علائم
آخر الزمان
در ادیان و ملل مختلف
دکتر مریم امجدی



مریم امجدی


بسم الله الرحمن الرحیم

اللّهمّ عجّل لوليّک الفَرَج

علائم آخرالزمان

مریم امجدی
مؤسسه انتشاراتی لاهوت
تایپ و طراحی :لاهوت گرافیک ۷۵۲۴۵۴۲
نوبت چاپ:اول بهار ۸۳
شمارگان: ۳۰۰۰نسخه
چاپ:امیر
قیمت: ۵۰۰تومان
تهران،سه راه طالقانی (تقاطع طالقانی و شریعتی)
ساختمان ۴۳۸،طبقهٔ چهارم
تلفن: ۷۵۲۴۵۴۲-۷۵۲۴۵۴۰-۰۲۱
تلفن دفتر قم: ۷۷۴۷۴۹۳-۰۲۵۱
شابک: ۰-۴۱-۷۷۶۲-۹۶۴

امجدی، مریم ، ۱۳۴۷
روزهشتم / مریم امجدی.
- تهران: لاهوت، ۱۳۸۲
۹۶ ص
۵۰۰۰ریال ISBN:964-7762-41-0
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا
۱. آخرالزمان - تحقیق ۲.فتن و
ملاحم ۳. مهدویت. الف، عنوان
۹ر۸الف / ۵/ BP۲۲۴ ۲۹۷/۴۶۲
۱۳۸۲

تقدیم به منتظران دیدارش

در دل شب دیـــدهٔ بـــیدار مـــن
خـواهـد آن یـاری کـه دل را آرزوست
چـــون بـــیاید خـیش خـیش مـوکبش
مـرغ شب آوا بـرآرد دوست دوست
بـانگی آیـد چـون پـز پـروانـه نـرم
مـاه را بـا آب گـویی گـفت و گـوست
نـرم نـرمک مـی‌رسد نـزدیک مـن
کیست پرسم، بادگوید اوست اوست

فهرست

عنوان **صفحه**

پیشگفتار

آنچه پیش رو دارید مجموعه‌ای از گفتارها و نوشته‌هایی است در مورد پدیدۀ آخرالزمان و ظهور یک موعود نجات بخش در انتهای آن.

این گفتار در دو بخش ارائه می‌گردد:

۱ـ آنچه پیشینیان گفته‌اند: مجموعۀ پیشگوییهایی از جهان باستان در مورد آخر دنیا و موعود.

۲ـ پدیدۀ آخرالزمان.

قبل از شروع بخش اول ذکر چند نکته را ضروری می‌دانم.

نخست آنکه مردم دنیای قدیم و به خصوص ایرانیان عادت داشتند مقطع زمانی خودشان را آخرالزمان بدانند و امید به دیدار موعود در زمان خود داشته باشند این باعث شده که دستکاریهای زیادی در متنهای باستانی مربوط به موعود به وجود آید برای تشخیص سره از ناسره باید اطلاعات دقیقی داشت از تاریخ شورشهای جهان باستان بخصوص شورشهای ایرانی چون اکثر این قیامها تحت عنوان ظهور موعود صورت گرفته است.

دومین نکته اشراف کامل به اصطلاحات زبانهای باستانی خاورمیانه (عربی باستان، عبری، پهلوی و لاتین باستان) زیرا زبان در طی زمان دچار تطور می‌شود.

تطور زبان چیست و چه اهمیتی در درک متون باستانی دارد؟

تطور زبان یعنی واژه‌ای در زمانی معنایی دارد و در زمان دیگری همان واژه متداول است با معنای دیگری گاه کاملاً متفاوت با مفهوم اولیهٔ خویش.

چند مثال: سعدی در بوستان می‌فرماید:

مرا در نظامیه ادرار بود — شب و روز تلقین و تکرار بود

مفهوم ادرار در قرن هفتم هجری مشغلهٔ فکری و درس و دریافت مستمری بوده است. «مرا در نظامیه ادرار بود» یعنی در نظامیه مشغول تحصیل بودم دانشجو بودم. (بورسیه بودم). حال آنکه اکنون در قرن ۱۴ هجری مفهوم کاملاً متفاوت است!

مثال دوم: در شاهنامه می‌خوانیم «هنر نزد ایرانیان است و بس» و یا در اشعار سایرین مرتّب به هنرمند بودن مردم اشاره می‌شود، این به چه معنی است؟ آیا مردم ایران نقاش، موسیقی‌دان یا مجسمه سازند؟ خیر واژهٔ «هنر» هزار سال پیش به مفهوم جنگاوری و نبرد بوده. مرد هنرمند قرن چهارم مردی نیست که خوب تنبک می‌زند، مردی است که در شمشیر زنی مهارت دارد. یا در نامه‌ای که زال به سام نریمان نوشته و از او برای ازدواج با رودابه اجازه خواسته می‌خوانیم:

نخست از جهان آفرین یاد کرد — که هم داد فرمود هم داد کرد
وزو باد بر سام نیرم درود — خداوند شمشیر و کوپال و خود
به مردی هنر در هنر ساخته — سرش از هنرها برافراخته

یا آنجا که فردوسی از آموزش سیاوش شاهزاده، نزد رستم سخن می‌گوید آمده است که:

هنرها بیاموختش سر بسر بسی رنج برداشت کآمد به بر
سواری و تیر و کمان و کمند عنان و رکیب و چه و چون و چند

یا باز در شاهنامه داستان ضحاک می‌خوانیم کسانی که در زمان ضحاک گریختند و به خارج ازکشور پناه بردند، «کرد» شده‌اند. فرض کنید که از دوستانتان دلگیر هستید در دفترچهٔ خاطراتتان امشب می‌نویسید؛ تمام دوستان من از بیخ عرب هستند حال در نظر بگیرید باستانشناسی که دفترچهٔ خاطرات شما را ۱۰۰۰ سال بعد بدست بیاورد، چه قضاوتی دربارهٔ ملیت دوستان شما خواهد کرد. باید بدانیم منظور ازکُرد بودن در متن شاهنامه، بی هویت شدن و فراموش کردن کامل خاک وطن می‌باشد.

مثال دیگر از قرآن:

در قرآن می‌خوانیم که خداوند می‌فرماید: جهان را بر مبنای کتاب بنا کردم یا «لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین» که یعنی همه چیز در کتاب آشکار نوشته شده. شبهه‌ای پیش می‌آید: آیا کتاب خاصی در جایی وجود دارد که قادر متعال آن را بازکرده و از روی دستورالعمل آن کتاب، دنیا را ساخته است.

آیا قادر بی نیاز برای خلق کائنات نیازمند راهنماییهای این کتاب بوده؟ یا آیا خداوند دفترچهٔ خاطرات خاصی دارد که کارهایش را در آن یادداشت می‌کند؟ بدیهی است که خیر.

در نظر داشته باشید که ۱۵۰۰ سال پیش در تمام شبه جزیرهٔ عربستان چیزی به نام «کتاب» وجود نداشته گسترده‌تر صحبت کنیم در تمام جهان متمدن آن روزگار کتاب وجود نداشته نوشته‌ها بر روی پوستهای حیوانات نوشته می‌شدند در صورت مطول بودن این

پوستها به هم دوخته ،و به دور استوانه‌های چوبی یا فلزی پیچیده می‌شدند و این طومارها اشیاء لوکس و گرانقیمتی بودند که در خزانهٔ پادشاهان، آنهم نه فرمانروایان محلی که امپراتوریهای بزرگ نگاه داشته می‌شدند. کما اینکه در تاریخ پیدایش زرتشت و چگونگی تنظیم اوستا آمده که متن این کتاب روی ۱۲۰۰۰ پوست گاو در خزانهٔ شاهی نگهداری می‌شد.

کتاب، یک لفظ کثیر الاستعمال در قرآن است یعنی باید مفهومی ساده و آشنا داشته باشد برای عرب بدوی بیسواد کتاب نادیدهٔ ۱۵۰۰ سال پیش. این مفهوم آیا چه می‌توانسته است باشد؟ افتخار کشف معنای صحیح این کلمه بنام یک ایرانی است (دکتر پرویز ناتل خانلری). کتاب ترجمهٔ لفظ به لفظ یک واژهٔ فارسی است که وارد عربی شده، کتاب، در عربی باستان به مفهوم سرنوشت، تقدیر و معنی صحیحتر ولی عامیانه‌تر «پیشانی» است، و با این مفهوم یعنی جهان بر مبنای سرنوشت خاصی بنا گردیده است.

البته در نظر بگیرید کتابهای مثل قرآن، شاهنامه یا بوستان از نظر باستانشناختی از جمله متون جدید محسوب می‌شوند لذا تکلیف در باب متونی که بسیار قدیمی‌تر از اینها هستند که اغلب بین ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ سال پیش نوشته شده‌اند کاملاً مشخص است.

در این نوشتار سعی بر این شده که از معتبرترین ترجمه‌ها استفاده شود. از مترجمینی که مفهوم تطور زبان را به نیکی درک کرده و آن را در ترجمهٔ خویش رعایت کرده‌اند (اشپیگل، خانلری و هدایت).

روند این نوشتار بدین ترتیب است که ابتدا یک شمای کلی از متن باستانی هر سند و خبر به زبان ساده گفته می‌شود و سپس به اصل متن خواهیم پرداخت. و اما آنچه پیشینیان گفته‌اند.

آوازی کهن‌تر از تاریخ

چون باد سیاه سوزان فرو نشیند،
در جانب خورشید چهرهٔ مردی هوید است...

آوازی کهن‌تر از تاریخ

به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین گفته‌های مربوط به آخرالزمان و ظهور موعود مربوط باشد به باستانی‌ترین و دست نخورده‌ترین مردمان جهان یعنی اسکیموها و سرخپوستان آمریکای شمالی. علیرغم تلاش فراوان دولتهای کانادا، آمریکا و روسیه گویی زمان برای این مردم از ۱۵۰۰۰ سال پیش متوقف شده است.

وضعیت نابسامان جوی در این نقاط موجب شده تا این اقوام از شر حملات خانمانسوز در طول تاریخ تقریباً مصون بمانند بنابراین گرچه خط و نوشتاری ندارند، ولی می‌توان به اشعار و گفته‌هایشان به عنوان نقل قولهایی دست نخورده از ورای تاریخ تمدن بشر اعتماد کرد.

در قبایل اسکیمو آوازی وجود دارد بنام شعر پایان دنیا. که در آن ابتدا سه علامت برای آخر جهان معرفی شده می‌گوید سه فرآیند که همواره و میلیونها سال روندی یکنواخت داشته، در آخرالزمان ناگهان بر عکس می‌شود. به عبارتی دیگر، دری که همیشه بر روی یک پاشنه چرخیده ناگهان حرکت معکوس را آغاز می‌کند: درختها و گیاهان به جای آنکه از ریشه خشک شوند از برگ خشک می‌شوند و این یک روند غیرعادی در طبیعت است، زیرا در جریان مرگ گیاه این همیشه ریشه است که ابتدا می‌خشکد و سپس برگها می‌پژمرند، اما در آخرالزمان این برگها هستند که اول می‌میرند در حالی که ریشه‌ها هنوز زنده هستند.

دومین علامت آبهای جاری غیر قابل آشامیدن می‌شوند. در سراسر کرهٔ خاک آبهای جاری همواره بهترین منابع حیات موجودات محسوب می‌شدند اما در آخرالزمان حتی این آبها آلوده و خطرناک می‌شوند.

سومین علامت بچهٔ انسان بی ارزش می‌شود و بچه‌ها کشته می‌شوند.

این شعر می‌گوید:

«پس از اینکه این سه علامت عجیب ظاهر شد، باد سیاه سوزانی فرستاده خواهد شد و این باد به هر موجودی برخورد کند او را تباه خواهد کرد. چون باد فرو نشیند در جانب خورشید صورت مردی هویداست که جهان را برای همیشه نجات خواهد داد»

مقاله‌ای که در رابطه با مجلهٔ ناسیونال جیوگرافیک (Geographic National) این مطالب را از قول یکی از رؤسای قبایل سرخپوست چاپ کرده بود و از قول او اضافه کرده بود: «آیا این اتفاقات نیفتاده است؟ آلودگی آب بوجود آمده، بارانهای اسیدی درختها را از برگ از بین می‌برد و سقط جنین امری پیش پا افتاده است! پس فقط می‌ماند همان باد سیاه سوزان!»

که گویی آنهم در حال وزیدن است و امید آنکه روزی فرو نشیند و مسلماً فرو خواهد نشست چون:

در نا امیدی بسی امید است　　　پایان شب سیه سفید است

و

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نگشت

دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور

اولین نوید

این واقع خواهد شد در زمانی
و دو زمان و نصف زمان

اولین نوید:

به نظر می‌رسد نخستین روایت مکتوب آخرالزمان و اندیشهٔ ظهور موعود مربوط به یهودیان باشد گروهی برآنند که اصلاً این اعتقاد، بدواً در یهودیان بوجود آمده و از طریق آنان به تمامی ادیان سرایت کرده است. گروهی دیگر نیز این پدیده را مربوط به آیین زرتشت می‌دانند.

در کتاب دانیال از زمان سیاه و پُر تشویشی حکایت شده که در آن دشمن خدا ظاهر می‌شود.

تورات او را کشندهٔ پادشاهان یا کشندهٔ سه پادشاه بزرگ می‌خواند. قدرت مهیب و باور نکردنی این موجود اهریمنی مرتب مورد تأکید قرار گرفته.

جهان در تباهی و فساد غوطه ور می‌شود و احدی را یارای مقابله با دشمن خدا نیست آنکس که حتی فکر مبارزه با او از مخیله‌اش بگذرد از هم دریده می‌شود ادعای او ادعایی خدایی است، حکومت و قدرت این موجود عجیب، جهانگیر، مطلق و طولانی است تورات با این جملهٔ عجیب حکومت طولانی او را موجه می‌دارد: «او آنقدر حکومت خواهد کرد تا آنان که خدا می‌خواهد، بفهمند و پاک شوند» بالاخره موعود ظاهر می‌شود.

در باب موعود تورات دو روایت دارد:

۱ـ مردی بنام شاخه، که خدا او را برمی‌گزیند تا دشمن خدا را نابود کند.

۲ـ تجسمی زمینی از خدا به روی کرهٔ زمین ظاهر می‌شود، او در کوههای فلسطین تجلی می‌کند و دشمن خدا را به مبارزه می‌خواند نبردی عظیم در بر می‌گیرد و موعود دشمن خدا را می‌کشد و جهان از شر و بدی نجات پیدا می‌کند.

کتاب دانیال باب ۳ آیات ۲۴ تا ۲۸:

«این چنین است که دانیال در رویا دید که در زمان آخر واقع خواهد شد که دشمن خدا بر زمین خواهد بود و مخالف همهٔ سلطنتها خواهد بود و تمامی جهان را خواهد خورد و آن را پایمال نموده، پاره پاره خواهد کرد.او سه پادشاه را به زیر خواهد افکند و سخنانی به ضد حضرت اعلی خواهد گفت و مقدسان را ذلیل خواهد ساخت. تمامی شرایع را تبدیل خواهد کرد. سپس عدالت برپا خواهد شد و سلطنت را از او گرفته او را تلف و تباه خواهند نمود. سلطنت به مقدسان حضرت اعلی داده خواهد شد و انتهای امر تا بدین جاست که فکرهای دانیال مرا بسیار مضطرب نمود»

بر اساس آیاتی به غیر از این نیز یهود اعتقاد راسخی دارند در باب ظهور کسی که با خدا خصومت ورزد و دارای قدرت فوق العاده باشد.

کتاب دانیال باب ۸ آیات ۲۳ الی ۲۷:

«من که دانیالم رویایی در شهر شوش دیدم: چون گناه عاصیان به نهایت رسیده باشد پادشاهی سخت روی و در مکرها ماهر بر خواهد خاست. قوت او عظیم خواهد شد لیکن نه از توانایی خودش و خرابیهای عجیب خواهد نمود و کامیاب شده تمام مقدسین را هلاک خواهد کرد. مکر و حیله در دست اوست و پیش خواهد رفت و با

امير اميران جنگ خواهد نمود اما شكست خواهد خورد و اين در ايام آخر واقع خواهد شد من كه دانيالم بعد از اين رويا مدتها ضعيف وبيمار شدم و معنى اين رويا را نه من فهميدم ونه ديگرى»

توجه شما را به كلمهٔ امير اميران جلب مى‌كنم.

شاه شاهان يا امير اميران به طور مكرر در تمام شش سفر تورات تكرار شده بد نيست بدانيم در محاكمات عيسى مسيح يكى از دلايلى كه يهوديان راى بر مصلوب شدن وى دادند، همين بود كه ادعا كردند عيسى خود را شاه شاهان و امير اميران و منجى موعود يهود معرفى كرده است.

در كتاب دانيال باب ۱۱ به طور مبهمى به ظهور شخصى عجيب اشاره مى‌شود با قدرتى باور نكردنى و دينى تازه بوجود خواهد آورد كه اين دين جديد دو ويژگى دارد:

۱ـ خداى ساير اديان را نمى‌پرستد بلكه خداى قلعه‌ها را تكريم مى‌كند كه با طلا و نقره پوشيده شده‌اند

۲ـ دشمن زنان است.

كتاب دانيال باب ۱۱ آيات ۳۳ الى ۴۴:

«او برخاسته مقدسين را نجس خواهد داشت و ويرانيها بر پا خواهد كرد، او كارهاى عجيب عظيم انجام مى‌دهد و بسيارى با فريب به او ملحق خواهند شد. او به جهت امتحان حكيمان خواهد آمد تا عده‌اى طاهر و سفيد شوند زيرا زمان معين هنوز نيست. او به ضد خدا سخنان عجيب خواهد گفت و كامياب خواهد شد در هرجهتى كه اراده كند، زيرا مقدر چنين است. او به خداى پدران و فضيلت زنان دشمن خواهد بود و خود را از همه بلندتر خواهد

شمرد، او خدای قلعه‌ها را با طلا و نقره و نفایس تکریم خواهد نمود.
آنانی را که به او اعتراف کنند (به دنبال او بروند) جلال ایشان را خواهد فزود و ایشان را به اشخاص فراوان تسلط خواهد داد و زمین و غنائم به آنها خواهد داد. آنگاه پادشاهی از جنوب با او خواهد جنگید و مردم از دست او خلاصی خواهند یافت، اخباری از مشرق و شمال به او می‌رسد او با خشم عظیم بیرون رفته اشخاص بسیاری را تباه خواهد کرد و به اجل خود خواهد رسید»

بخش دیگر تورات درمورد آخرالزمان کتاب زکریای نبی است.

زکریا در ابتدا، سال نوشتن وحی را می‌نویسد که در سال دوم سلطنت داریوش اول هخامنشی است. فرشته‌ای بر او نازل شده لباس ویژه‌ای به او می‌پوشاند که از سر تا نوک پایش را فرا می‌گیرد سپس زکریا را به مکانی مقدس می‌برد و تصاویری به زکریا نشان می‌دهد. در اینجا برای اولین بار از مردی بنام شاخه صحبت می‌شود که در آخرالزمان ظاهر شده و جهان را از چنگ شیطان نجات خواهد داد.

باب اول کتاب زکریای نبی وباب سوم و پنجم و ششم و چهاردهم:

«در روز بیست و چهارم ماه یازدهم از سال دوم داریوش، کلام خدا بر زکریا نازل شده، فرشته‌ای گفت: تو به لباس پلید ملبسی، آن را از برش بیرون کنید. پس عمامه‌ای طاهر به سرش گذاردند و او را به لباسی فاخر سر تا پا پوشانیدند و گفت اکنون تو را بار خواهم داد. گفت آسوده باشید که من بندهٔ خود شاخه را خواهم آورد و نقش او را رقم خواهم زد و عصیان زمین را در یک روز رفع خواهم کرد.

پس من که زکریا هستم چشمان خود را بازکرده و استوانه‌ای پران

دیدم. او مرا گفت چه می‌بینی؟ گفتم استوانه‌ای پران که طولش بیست ذراع و عرضش ده ذراع است.

فرشته گفت: این است آن لعنتی که بر روی تمامی جهان بیرون خواهد رفت و خدا آن را بیرون خواهد فرستاد تا به خانهٔ دزد و به خانهٔ هرکس که به نام خدا قسم دروغ خورد داخل خواهد شد و آن را منهدم خواهد کرد.

خدای بزرگ چنین می‌فرماید و می‌گوید: اینک مردی که به شاخه مسمی است خواهم فرستاد، او معبد خداوند را در اورشلیم بنا خواهد کرد، جلال فراوان دارد و حکمران است. آنان که دورند خواهند آمد و در معبد خداوند خواهند بود و شما خواهید دانست وعده و قول خدای شما واقع خواهد شد.»

در باب چهاردهم اشاره به جنگ عظیمی می‌شود در اورشلیم و فلسطین.

توجه شما را جلب می‌کنم به پدیده‌ای عجیب در خورشید که باز مرتباً تکرار خواهد شد.

کتاب زکریا باب چهاردهم:

«اینک روز خداوند می‌آید جمیع امتها به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهند شد. خداوند بیرون آمده و با آنها جنگ خواهد نمود. آنگاه کوهی عظیم از مشرق تا مغرب شکاف خواهد خورد و زلزله خواهد آمد، در آن روز نور آفتاب نخواهد بود و کواکب درخشنده گرفته خواهند شد و آن یک روز معروف خدا خواهد بود.»

اما تمامی این وقایع چه زمانی خواهد بود؟

درکتاب دانیال باب دوازدهم این چنین گفته شده:

«دز آن زمان امر عظیمی واقع خواهد شد برای پسران تو آنچنان تنگی و سختی واقع خواهد شد که از وقتی که امتی بوجود آمده هیچ قومی این چنین سختی ندیده‌اند. پس من دانیال نظر کردم و از مردی که ملبس به کتان بود و در بالای آبها ایستاده بود، پرسیدم: که این چه زمان واقع خواهد شد و او گفت: این برای زمانی و دو زمان و نصف زمان خواهد بود که پراکندگی قوت قوم مقدس به انجام رسد آنگاه همهٔ امور به اتمام خواهد رسید و من شنیدم اما درک نکردم و گفتم: ای آقایم آخر این امور کی خواهد بود.

او جواب داد: ای دانیال برو زیرا کلام مختوم شده است و بسیاری طاهر و سفید و مصفی می‌شوند و حکیمان می‌فهمند. ولی شریران هرگز نخواهند فهمید.»

خوب باز می‌بینیم مردی که با دانیال سخن می‌گوید از اوضاع بد جهان صحبت می‌کند و می‌گوید بدی آنقدر دوام پیدا خواهد کرد که مردم کاملاً به دو دستهٔ شناخته شده تقسیم شوند: یک عده می‌فهمند و پاک می‌شوند و عده‌ای هرگز نخواهند فهمید و شریر باقی می‌مانند و یک کد «رمزینه» ۴ رقمی نیز برای آخر زمان بازگو می‌شود که خود دانیال نیز از آن چیزی نمی‌فهمد: «زمانی و دو زمان و نصف زمان»

آخرین نبرد

ای سپیتامان زرتشت چون هزاره به پایان رسد...

آخرین نبرد

ابتدا می‌خواستم این بخش را پیشگوییهای زرتشتی بنامم اما دریغم آمد عشق عمیقی که ایرانیان به موعود دارند را نادیده بگیرم بنابراین جرات کردم و این قسمت را از قول زرتشت به ایرانیان نسبت دادم.

پژوهندگان مبانی دینی بر این اعتراف دارند که هیچگاه هیچ ملتی به اندازهٔ ایرانیان در طی تاریخ تشنهٔ دیار موعود نبوده و به گواهی تاریخ، ایرانیان در انتظار ظهور او روز شماری کرده‌اند.

عشق به موعود در ایرانیان نه یک پدیدهٔ اکتسابی که گویی به صورت ژنتیک و ارثی از والدین به فرزندان می‌رسد برهه‌ای از تاریخ ایران وجود نداشته که این ایده مقدس به نوعی بر آن سایه نیفکنده باشد.

این باعث شده که عده‌ای بر پایهٔ این اعتقادات در طول تاریخ بر ضد حکومت‌های خودکامه به نام ظهور موعود قیام کنند، مشهورترین این مدعیان عبارتند از: مانی، مزدک، به‌آفرید نیشابوری ،بابک خرمدین، المقنع هشام‌بن حکیم، و... بسیاری از قیامهای سیاسی و ملی در پوشش ظهور موعود آخر زمان شکل گرفته و گاهی از آن سوء استفاده شده است.

در حکومت قاجار وقتی بر چهرهٔ ایران شکست خورده و خفیف شده، نسیم اصلاحات امیرکبیر وزیدن گرفت، روس و انگلیس وحشت زده در پی چاره برآمدند. و چون خواستند در برابر

اصلاحات امیر دسیسه‌ای بچینند، از این اعتقاد پاک و عمیق استفاده شد. فتنهٔ باب و بهاییگری که ترمزی بر اصلاحات امیرکبیر بودند، نشان دهندهٔ اعتقادات پاک مردمی است که با احساساتشان به بدترین نحو بازی شد.

کار بدان جا رسید که در جنگ جهانی دوم مردم ایران، خسته و دلزده از استعمار انگلیس، آدولف هیتلر را «مهدی موعود» و امام زمان خواندند! (رجوع شود به داستان سووشون) و تمامی اینها اگر چه اشتباه روی اشتباه بود ولی یک اصل را ثابت می‌کند:

هیچ انسانی به اندازهٔ یک ایرانی چشم انتظار موعود نیست. این اعتقاد آنقدر عمیق است که گاه آن را یک عشق مسخرهٔ کورکورانه خوانده‌اند که باعث شده ایران در ده قرن اخیر در رکود باقی بماند، به هر حال نیک یا بد این عشقی است که با شیر اندرون شده و با جان به در رود.

مجموعهٔ پیشگوییهای ایرانی می‌گوید در پایان یک هزاره اوضاع وحشتناکی در جهان بر قرار می‌شود اهریمن بر زمین ظاهر شده و جهان در پلیدی فرو می‌رود.

گرچه منابع پیشگویی در متون ایران باستان متعدد تمامی آنها وجوه مشترکی دارند:

۱ـ در تمامی این متون از پایان یک هزاره صحبت می‌شود.

۲ـ حرکت آهن: علامت شگفت انگیز آخر زمان در تمامی متون از آن یاد می‌شود. کلماتی مثل: پیروزی فلزات، دوران آهن گمخت، سیل فلز متحرک و... دیده شود علامت عجیبی است که در فلزات دیده می‌شوند.

از جاماسب نامه شروع می‌کنیم این متن بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به نگارش در آمده و در آن موبدی زرتشتی بنام جاماسب به سئوالات پادشاهی در باب آخر زمان پاسخ می‌دهد.

در این نوشتار به طور کلی از اوضاع مغشوشی در پایان جهان صحبت شده، سپس از ظهور اهریمن خبر داده می‌شود. ثروتهای ایران بر باد می‌رود، مردمان پست قوت می‌گیرند ولی در زمان آخر موعود ظاهر می‌شود. گاهی او را «سوشیانس» وگاه «بهرام ورجاوند یا هوشیدر زرتشت» می‌خوانند، او پاک مردی جوان و قدرتمند است که از شرق سیستان یا خراسان به ایران حمله می‌کند و پس از جنگی عظیم که آن را آخرین نبرد ما بین اهورا مزدا و اهریمن می‌دانند، اهریمن را شکست داده او را می‌کشد و ایران در جشن و سرور غوطه ور می‌شود. متن را می‌خوانیم:

«شاه پرسید: این دین چند سال روا باشد و پس از آن چه هنگام و زمانه رسد. جاماسب گفتش این دین هزار سال باشد و چون هزاره به سرآید مردمانی در ایران پدید آیند دروغگو و پیمان شکن که با یکدیگر رشک و کین کنند و تمام ایران رابه تازیان بسپرند.نشان آن باشد که گنجهای فراوان نامرئی در ایران پیدا شود و فرمانروایی به دشمن رسد و مردمان به مرگ خود راضی باشند. برادر، برادر را زند و خواسته از برادر بستاند و مردمان به دغل کاری و نابکاری گردند و مزهٔ راست ندانند»

«آنگاه دیو خشم، ضحاک را از بند بیرون آرد و ضحاک آدمی بسیار خورد و ضحاک جانور بسیار خورد. سپس هوشیدر زرتبشت، سوشیانس به ایرانشهر آید و آنچه بتکده هست ویران کند و اهریمن از

آسمان بیرون کشد و سرش ببرد و ایرانشهر به درود و شادی و رامش رسد»

دنبالهٔ دوم :

«شاه پرسید به هنگام آمدن پسر من علامت درجهان چه باشد؟ جاماسب گفتش: چند نشان به جهان پدید آید یکی آن که شب از روز روشن‌تر باشد، یکی آنکه پیمان شکنان زودتر به مقصود رسند، یکی آنکه مردمان پست فرمانروا شوند، یکی آنکه افسون و جادو در آن زمان زیاد کنند، یکی آنکه تابستان از زمستان تشخیص نشاید یکی آنکه آزار دین دستوران روا باشد. پس دستور جهان بیاید و پیغامبر زند فراز مرزد»

زرتشت نامه

این متن دو منبع دارد یکی به نثرکه قدمتی سه هزارساله دارد، متن دوم به شعراست و قریب به هفتصدسال پیش سروده شده.

متن اول گفتگوی مستقیم و بیواسطه‌ای مابین پیامبر ایرانی و اهورامزدا است که در آن ابتدا از دوران سیاه و پرمصیبت چیرگی شیطان و دیو به ایران سخن می‌رود سپس به زرتشت نوید ظهور بهرام ورجاوند داده می‌شود آنگاه ناهید (خورشید) بر روی زمین می‌آید.

این متن علیرغم ترجمهٔ بسیار خوب صادق هدایت متنی پیچیده و مشکل است اما متن دوم که به شعر است ساده‌تر و قابل فهم‌تر می‌باشد و تالیف بهرام پژدو است.

بهرام پژدو این اشعار را در قرن ششم هجری سروده. به نظر می‌رسد متن اصلی به صورت گنجینه‌ای ارثی در خاندان پژدو وجود داشته. و این فرد متن را به شعر برگردانده است این شعر به ما چنین می‌گوید:

زرتشت از اهورامزدا از سرنوشت ایران در آخر زمان می‌پرسد.اهورامزدا در پاسخ می‌گوید در پایان هزاره دیو کین ظاهر می‌شود و تمامی مردم سیاه پوش می‌شوند،کم آبی و خشک سالی می‌آید و ابرهای بدون باران ظاهر می‌شوند و برگها از درختان می‌افتند(آواز پایان دنیای اسکیموها را به خاطر آورید!) جشن‌های نوروز و مهرگان کنار گذاشته می‌شوند، عده‌ای از مردم ایران آواره می‌گردند.سپندارمذ(فرشتهٔ موکل بر زمین) گنجهای فراوان در زیر

زمین ایران را هویدا می‌کند و بندگان،مال و نعمت فراوان می‌اندوزند آنگاه مردم ایران در رنج و سختی و عذاب خواهند افتاد،چنان رنجی که حتی در زمان افراسیاب و ضحاک نیز دیده نشده زندگانی مردمان طولانی می‌شود اما با فقر و بی چیزی همراه است ایران کاملاً ویران می‌شود و...

بخوانیم:

هزاره سرآید به ایران زمین
دگرگون بود کار و شکل همین
بود حکمرانی آن دیو کین
که دین بهی را زند بر زمین
سیه جامه دارند درویش و تنگ
جهان کرده از خویش بی نام و ننگ
چو آید به گیتی نشان سیاه
دگرگون شود ساز و آیین و راه
جز آز ونیاز و بجز خشم و کین
نبینی تو با خلق روی زمین
بجز راه دورخ نورزند هیچ
نبینی کسی کوبود دین بسیج
نه نوروز دانند نه مهرگان
نه جشن و نه رامش نه فروردگان
بدانگه که آید هزاره به سر
شود کار عالم به شکل دگر
برآید بسی ابر در آسمان

که باران نبارد به هنگام آن
زگرمای گرم و ز سرمای سخت
بریزد بسی برگ و بار درخت
سپندارمذ برگشاید دهان
بسی نعمت و مال گرد آورند
مر آنرا به زیر زمین گسترند
نیامد کسی را چنان رنج و تاب
به هنگام ضحاک و افراسیاب
اگر زندگیشان بود بیشتر
هم از نعمت مال درویش تر
زهر جانب آهنگ ایران کنند
به سم ستورانش ویران کنند

چون سخن اهورامزدا بدین جا می‌رسد زرتشت ناله سر می‌دهد.اهورامزدا می‌گوید:دل قوی دار که داستان به خوبی تمام می‌شود.

زرتشت با تضرع شکست و مرگ دیو سیاه را از اهورامزدا می‌خواهد.اهورامزدا یادآوری می‌کند که بیشتر از زرتشت،ایران را دوست دارد و هرگز نخواهد گذاشت سرزمین اهوارییش در چنگ دیو باقی بماند.او نوید زاده شدند فرمانروایی در خراسان را می‌دهد به نام شاپور که پسر فرمانروایی نامآور مقتدراست او از بلخ و بخارا به ایران حمله می‌کند سپس بالشکری بیکران از پارس و خراسان و سیستان به سوی دشمن می‌تازد در ایران سه جنگ بزرگ برپا می‌شود.از کشته‌ها پشته بوجود می‌آید.لشکر اهریمنان ونره دیوان

شکست سختی می‌خورند و در آخر اهریمن و دیو سیاه به دست او کشته خواهند شد و مردمان به کام شده جشن بزرگ آغاز می‌شود.

بخوانیم:

بپرسید زرتشت بار دگر
ز هرمز دادار پیروزگر
سیه جامه را کی نماید شکست
چگونه شود دیوناپاک پست
که جانم زتیمار گریان شدست
دل از انده و رنج بریان شدست
بدو گفت دادار پروردگار
که ای مرد دیندار انده مدار
چو هنگام ایشان شود در جهان
پدید آید از چند گونه نشان
زمین خراسان ز نم و بخار
شود چون شب داج تاریک و تار
برآید نشان از خراسان سپاه
چو آید به وقت و به هنگام گاه
یکی شاه باشد به هند و به چین
زتخم کیان اندر آن وقت کین
مر او را یکی پور شایسته کام
نهاده برآن پور بهرام نام
گروهیش شاپور خوانند نام
بیابد زگیتی بسی نام و کام

کشد سوی بلخ و بخارا سپاه
کند روی کشور ز هر سو نگاه
بسی لشکر آرد ز هند و ز چین
شه نامور سوی ایران زمین
زپارس وخراسان و از سیستان
یکی لشکر آرد عجب بیکران
به ایران بباشد سه جنگ تمام
بسی کشته گردند مردان نام
شود اهرمن جنگ را چاره‌گر
ابا نره دیوان پرخاشگر
شود لشکر دیو ناپایدار
بسی خسته و کشته در کارزار
بیاید پس آن مرد فرخنده نام
که بهرام خواند ورا خاص و عام
بگیرد سرتخت و تاج شهان
جهان را رهاند از آن گمرهان

زرتشت از شنیدن این سخنان بسیار شادمان می‌شود و به اهورا مزدا می‌گوید:نشانه‌ای به من بگو تا به مردم بگویم تا چون نا امید شوند شاپور را با آن نشانه بشناسند.اهورا مزدا می‌گوید بگو منتظر مردی با این نشانه‌ها باشند:

نشان آنکه چون آید اندر جهان
ستاره فرو بارد از آسمان
وزان پس چو هرمزد بالا کند
و ناهید را زیر خویش آورد

یعنی می‌گوید نشانهٔ موعود آنست:که شبی که ظاهر می‌شود آسمان شب ستاره باران وپر از نورهای ستاره‌ای است،سپس مثل هرمزد(فرشتهٔ موکل بر خورشید) قادر باشد که خورشید را روی زمین بیاورد و خورشید را در زمین ظاهر می‌کند.متن دیگری از گفتگوی زرتشت با اورمزد در بهمن یشت است.گفتیم علیرغم ترجمهٔ بسیار روان صادق هدایت هنوز از مشکل‌ترین متنهای جهان باستان است.آنرا می‌خوانیم:

در چهارم بهمن یشت:

«زرتشت گفت ای دادار جهان! نشانهٔ دهمین صد سال چه باشد؟ اورمزد گفت ای سپیتامان زرتشت چون هزاره به سر آید پست‌ترین هنگام آید و دیوان خشم و ژولیده موی برسند.آنها زین سیاه دارند و موی ژولیده و آشفته و از پست‌ترین نژاد هستند.آنها به یاری جادو دههای ایران راکه من اورمزد آفریدم ویران کنند و همه چیز را بیالایند و دین و پیمان و شادی و راستی را از بین ببرند و دین من به نیستی رسد.آنان فریفتار (ریاکار و دروغگو) هستند و بدترین دین را دارند،زیرا آنچه گویند نکنند.این دههای ایران راکه من اورمزد آفریدم به آز ودروغ و فریب برکنند. مهر پدر را از پسر و برادر از برادر را بگیرند.ای زرتشت پاک چون هزاره به سر رود خورشید راست‌تر خواهد بود و دار و درخت بکاهد و هنر و نیروی مردمان کم باشد وآزرم وسپاس از نان و نمک ندارد. و مرده را چال کنند و مرده را بگسترانند.»(توضیح نگارنده: در ایران باستان مردگان را می‌سوزاندند یا در دخمه می‌گذاشتند، خاکسپاری رسم یهودیان بوده ـ مرده را بگستردانند ـ به معنای تکریم بیش از اندازه و نگهداری زیاد مرده و

«مرده بازی» و «مرده‌پردازی» می‌باشد.به عبارتی به مردگان بیش از زندگان پرداخته می‌شود. شما خواهید دید در پیشگوییهای اسلامی چیزی بنام راه افتادن مردگان در کوچه و بازار وجود دارد).

«گمان می‌کنند که کار صواب انجام می‌دهند ولی راهی که می‌روند به دوزخ است و چون هزارهٔ تو به سر رسد ای سپیتامان زرتشت ابر بی باران آید و باد گرم و باد سرد وزد و جانوران زیانکار بیایند این را بدان که مردم از زندگی به تنگ آمده مرگ خویش را از من خواهند و جوانان را هوای بازی و رامش از دل برنیاید وجشن و رسم پیشینیان تباه شود و صدقه ندهند و آنکس که صدقه می‌دهد باز می‌گیرد و مردم ایران به سوی باختر(غرب) تباه شوند و به سبکی و آلودگی رسند»

«ای زرتشت نشانهٔ هزارهٔ تو آن باشد که مردم در پزشکی زبردست باشند و چنان دارو و درمان بکار برند که هر چند کسی رو به مرگ است پس او نمیرد. اگرچه به زخم شمشیر و کارد باشد نمیرند.و ای سپیتامان زرتشت چون هزاره به پایان رسد سپندارمذ(فرشتهٔ موکل بر زمین) دهان بگشاید و گنجهای نهان زیر زمین ایران پدید آید و سلطنت به غیر ایرانی رسد آنان غلامباره باشند(همجنس باز) و هوسباز»

«ای زرتشت پاک چون هزاره به سر آید شب روشن‌تر از روزباشد و مرگ انسان سخت باشد و ایمان به معاد برود و اندر آن نه هزار سالی که من اورمزد به مردم دادم هیچگاه این سختی به مردم نرسیده باشد»

در هفتم بهمن یشت:

«زرتشت از اورمزد پرسید:دادار چه هنگام دیوان تباه شوند؟ اورمزد گفت ای سپیتامان زرتشت هرگاه نشان سیاهی در خراسان پیدا

شود و هوشیدر به دریاچهٔ فرزدان زاییده شود، در سی سالگی بامن سخن گوید و شبی که ظاهر شود ستاره از آسمان فرو آید وپدر او بمیرد.آنگاه با سپاهی بیشمار از هند و چین به ایران بتازند.زرتشت گفت:ای دادار نشانهٔ او با من بگو تا با مردم بگویم؟اورمزد گفت:بگو چون ستارهٔ اورمزد(مشتری) به اوج بلندی رسد و ناهید را فرو افکند(یعنی خورشید بر روی زمین آید) لشکر بی شمار پادشاه از جانب سیستان و پارس و خراسان آیند و با دیوان خشم بجنگند و گرگ دو پا و دیوان چرمین کمر را بکشند.درکنار اروند رود سه جنگ بزرگ باشد وسپاه بی شماری به جایگاه دیوان بتازند و آنچنان کشتاری نمایند که هیچ دشمنی تا آن زمان ندیده‌ای، سپیتامان زرتشت چون زمان دشمن سر برود در یک شب تباه خواهد شد و این دههای ایران راکه من اورمزد بیافریدم، دوباره آباد شوند.

پشوتن درخشان خواهد آمد و می‌گوید:کشته باد دیو،کشته باد دروغ و او را ۱۵۰ مرد پیرو دین،که سمور سیاه در بر دارند همراهی می‌کنند و آغاز، هوشیدران باشد. به مردمت بگو او کسی است که به خورشید می‌گوید در زمین بایست و خورشید ده روز بر زمین می‌ایستد سپس هوشیدر زرتشت سوشیانس بیاید وفریدون بر ضحاک پیروز شود و زمین از دیوان تابع اهریمن پاک شود وشادی و رامش و سرور با ایرانیان باشد»

توضیح نگارنده:

در آیین شین تو که سابقهٔ تاریخی آن به قریب ۷۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد و دین رسمی کشور ژاپن است، نیز راجع به پیدایش موعود یا نجات دهنده در آخر یک هزاره اخباری وجود دارد و حاکی از سابقهٔ کهن و تاریخی و ریشهٔ باستانی این عقیده است.

مکاشفات یوحنا

اینجاست ذهنی که حکمت دارد پس بشمارد که
عدد مرد است و آن ششصد و شصت وشش است

مکاشفات یوحنا

مبحث آخر زمان وظهور موعود در دین مسیح از تمام ادیان دیگر پیچیده‌تر است و باز می‌گردد به قسمت الحاقی انجیل به نام مکاشفات یوحنا.قبل از شروع بحث باید در مورد این قسمت و قدمت تاریخی آن توضیح دهیم.

مکاشفات یوحنا، برخلاف نامش مربوط به یوحنای حواری مسیح نیست.قدمت این متن ارزشمند به بیش از ۵۰۰ سال قبل از تولد عیسی می‌رسد.این مکاشفات در جهان باستان بسیار مشهور بوده.

متنی که ابتدا دوران سیاه ظهور شیطان و حکومت اهریمن بر زمین را پیشگویی می‌کند وسپس می‌گوید در انتهای این دوران وحشتناک،مردی بنام مسیح ظاهر خواهد شد که جهان را نجات خواهد داد.

مسیح به معنی مسح شده و تطهیر یافته است.متن مکاشفات از نظر باستانشناسی یکی از شگفت انگیزترین متون است.این متن را چه کسی و کی نوشته یکی از مشهورترین پرونده‌های مجهول باستانشناسی است.

ویکتورهوگو که به این متن اعتقاد و علاقه‌ای فوق العاده داشته در کتاب کارگران دریا باب سوم چنین متذکر می‌شود: «مکاشفات یا Revelation کتابی است که یکی از حواریون بنام یوحنا آن را در جزیرهٔ بطنوس یافت و آن را به انجیل افزود.»

به نظر نگارنده مکاشفات یوحنا از نظر ساختار دستوری و گرامر جملات دنبالهٔ همان کتاب زکریا در تورات می‌باشد این نظر نه به خاطر ساختارگرامری مشترک دو متن بلکه بخاطر روند یکسان هر دو پیشگویی است.

به خاطر دارید که درکتاب زکریا، فرشته او را به جایی می‌برد و تصاویری به او نشان می‌دهد. سپس برای هر تصویر توضیحی به زکریا می‌دهد.

این روند در مکاشفات نیز وجود دارد،منتهی اینجا تصاویر به یوحنا نشان داده می‌شود.یوحنا در مورد هر تصویر سؤال می‌کند و فرشته جواب می‌دهد. به ظن قوی پس از حملهٔ اسکندر به ایران کتاب زکریا به دو قسمت شده، یکی در ایران باقی مانده و به تورات پیوسته و دیگری به اروپا منتقل شده و تحت عنوان مکاشفات یوحنا به انجیل ملحق شده است. به هر حال درالحاقی بودن این قسمت به انجیل ظاهراً بحثی نیست.

تا قرون وسطی این مکاشفات به طورکامل و دست نخورده در انجیل وجود داشته،به نظر نگارنده قسمتی راکه ما مسلمانان معتقدیم در انجیل نام احمد در آن دیده می‌شده همین مکاشفات بوده است (سورهٔ صف آیهٔ ۶:...من التوریه ومبشراً برسول یاتی من بعدی اسمه احمد)

به هر حال دراین متن گفته می‌شود که در پایان هزاره مسیح موعود در اورشلیم فرود خواهد آمد و پس از جنگ بزرگی جهان را از شر شیطان نجات خواهد داد. همانگونه که می‌دانید امپراتوران بیزانس به همین قسمت استناد کردند که چون اورشلیم در اشغال مسلمانان

است باید آن را بازپس گرفت تا چون مسیح در اورشلیم فرود آید از او استقبال کنیم این شد ماشهٔ جنگهای صلیبی.

(نگارنده نکتهٔ جالبی را برای خوانندگان متذکر می‌شود)

«یک گروه مسیحی متعصب انگلیسی که معتقدند رجعت حضرت عیسی نزدیک است یک دوربین فیلمبرداری بسیار حساس و دقیق را مخفیانه در مسجدالاقصی و جای مناسبی نصب کرده‌اند.

این دوربین در تمام شبانه روز فعال و در جهاتی که معین شده ازفضا فیلم تهیه می‌کند تا لحظه‌ای که مسیح سوار بر اسب سفید از آسمان فرود می‌آید از جریان کار او فیلمبرداری نماید.» ـ به نقل از روزنامهٔ جمهوری اسلامی شمارهٔ ۵۷۸۹،مورخهٔ ۷۸/۳/۹ صفحهٔ ۲

نکته در اینجاست که دست اندرکاران این فیلمبرداری آسمانی انگلیسیهاهستند و سابقهٔاین مردم‌استعمارگر و دین ساز درتاریخ معاصر روشن است.هیچ بعید نیست در فرصت مناسب مسیح سیاسی را هم از آسمان دیپلماسی باتشریفات اساسی فرود آورد و مشکلی برانواع مشکلات عقیدتی وفرقه‌های گوناگون مذهبی که دردسرشان نصیب ایران وسود و ثمرشان سهم انگلستان و همکاران آنها بوده و هست بیفزایند.اللهم احفظنا من شرآخرالزمان!)

درهر حال درمطالعهٔ این متن باید به تطور زبان که آن را در پیشگفتار عنوان کردم، تسلط کامل داشت. اگر به این نظر معتقد باشیم که این قسمت همان دنبالهٔ کتاب زکریاست.پس متن اصلی باید به زبان فارسی باستان بوده باشد که پس از الحاق به انجیل به لاتین باستان برگردانده شده،دانستن این مطلب اهمیتی اساسی در فهم متن پیچیده‌ای چون مکاشفات یوحنا را دارد. قبل از پرداختن به متن،

ابتدا معرفی چند شخصیت کلیدی در آن را ضروری می‌دانم:

ابتدا از دوران سیاه و ترسناک پر از دروغ،ریا، فساد و خونریزی در پایان دنیا صحبت می‌شود سپس به ترتیب این افراد معرفی می‌شوند:

۱ـ زنی به نام ایزابل که دنیا را به فساد و تباهی می‌افکند.ظاهر شدن این زن در زمین نخستین علامت شروع آخر زمان است. این زن و تمام فرزندانش را خدا به مجازات خواهد رساند و خواهد کشت.

۲ـ وحش،نبی کاذب، پیامبر دروغین(False prophet)، جانور.

درباب سیزدهم باموجودی آشنا می‌شویم که با اسامی فوق خوانده می‌شود او قدرت فوق بشری دارد در قسمت اول مکاشفات این موجود به نام ضد مسیح(Antichrist) و دجال خوانده می‌شود. تمام ساکنین زمین از او می‌هراسند و تمام مردم از او اطاعت می‌کنند. بسیار تاکید شده از ابتدای خلقت تا انتهای آن هیچ احدی روی زمین قدرت این موجود را نداشته است.

بر بدن او به عنوان نشانه عددی نوشته شده: ششصد و شصت وشش. و تاکید شده تنها عالمان ودانایان قادر به خواندن این عدد هستند.

(توضیح نگارنده: چون در باب سیزدهم مکاشفات این موجود مهیب معرفی شده عدد سیزده نزد اکثر ملل دنیا عدد نحس است)

۳ـ در باب هجده مکاشفات، یوحنا تصویر زنی را می‌بیند غول آسا که برآبهای فراوانی ایستاده و زیرپاهایش دریای بیکران است. او را با لفظ بیشرمانهٔ«فاحشه» می‌خوانند. بر سراو ده شاخ وجود دارد و در دستش پیاله‌ای زرین پراز نجاست است. یوحنا درمورد این تصویر از فرشته توضیح می‌خواهد و فرشته در پاسخ می‌گوید:

«این زن شهر است.و شهر بزرگ است و شهری است که بر تمام شرهای جهان فرمانروایی می‌کند و ثروتمندترین و آبادترین شهر جهان است که مقدر است در یکساعت بسوزد و به طرز باورنکردنی ناگهان نابود شود ودیگر هرگز آباد نشود»

۴ـ«بره» یا مسیح که موعود مکاشفات یوحناست او گاه با عنوان شاه شاهان خوانده می‌شود او با لشکرهای عظیم در اورشلیم فرود می‌آید و پس از جنگی بزرگ که آخر زمان نام دارد و از مکانی به نام«حارمجدون(آرماگدون ـ Armageddon)» هدایت می‌شود، پیامبر دروغین وشیطان را می‌کشد وکتاب خاتمه می‌یابد.

درآخرجشن عظیمی بر روی اجساد کشتگان بر پا خواهد شد.

اکنون متن اصلی را می‌خوانیم: باب اول:

«مکاشفهٔ عیسی مسیح که خدا بدو داد تا اموری راکه واقع خواهد شد بر غلامان خود ظاهر سازد و بوسیلهٔ فرشتهٔ خود فرستاده،آن را ظاهر نمود بر غلام خود یوحنا، و یوحنا گواهی داد به کلام خدا در تصاویرکه دیده بود وگفتند بنویس چیزهایی راکه دیدی و این چیزها بعد از این واقع خواهد شد»

باب دوم، آیات ۲۰ تا ۲۴:

«بحثی برتو دارد در باب آنزن که ایزابل نامی است که خود را نبیه می‌گوید و بندگان مرا تعلیم داده اغوا می‌کندکه مرتکب گناه و خوردن قربانی‌ها بشوند. و بدو مهلت دادم تا توبه کند اما توبه نکرد. اینک او را بر بستری می‌اندازم و پیروان او را به مصیبتی سخت مبتلا خواهم کرد.و اولادش را به قتل خواهم رسانید تا تمامی مؤمنین بدانندکه من امتحان کنندهٔ جگرها و قلوب شما هستم»

باب سیزدهم، آیات ۶ تا ۱۸:

«به تو خبر خواهم داد از وحش که خواهد آمد. کیست مانند او و کیست که با وی بتواند جنگ کند. به وی داده شده دهانی که به کبر و کفر تکلم کند و قدرتی به او داده شده برای ۴۲ ماه. پس دهان خود را به کفرهای خدا برگشود و به خدا و سکنهٔ آسمان کفر گوید. و به وی داده شد که با مقدسین جنگ کند و بر ایشان غلبه یابد و تسلط به هر قبیله و قوم و زبان وامت بدو عطا شد. و جملهٔ ساکنین زمین جز عدهٔ مشخصی، او را خواهند پرستید. در اینجاست صبر و ایمان مقدسین. تمام ساکنین زمین وادار می‌شوند که او را بپرستند. ومعجزات عظیم به عمل می‌آورد وساکنین زمین را گمراه می‌کند به آن معجزاتی که به وی داده شد. و به وی داده شد که هر کس صورت وحش را نپرستد کشته خواهد شد. و همه را از کبیر و صغیر و دولتمند وفقیر و غلام و آزاد بر این وا می‌دارد که دست راست بر پیشانی گذارند. واینجا حکمت است پس هرکس که فهم دارد عدد وحش را بشمارد زیرا که عدد مرد است و عددش ششصد و شصت وشش است»

باب ۱۷:

«و یکی از آن هفت فرشته آمد و به من خطاب کرد که بیا تا قضای آن فاحشهٔ بزرگ را که برآبهای بسیار ایستاده به تو نشان دهم که پادشاهان جهان با او زنا کردند و من زنی دیدم که از نامهای کفر پر بود وبر سرش ده شاخ داشت وپیاله‌ای زرین به دست خود پر از خباثت ونجاست. وبر پیشانیش این اسم مرقوم بود: بابل عظیم و مادر فواحش دنیا. و آن زن را دیدم مست از خون شهدا ومقدسین. من از

دیدن او متعجب شدم و فرشته مرا گفت تعجب مکن.من راز آن را به تو خواهم گفت.

ده پادشاه متحد شده قدرت خود را به وحش می‌دهند ایشان با بره جنگ خواهند کرد و بره بر ایشان غالب خواهد آمد زیرا او پادشاه پادشاهان است و او برگزیده و امین است. اما آبهایی که دیدی که فاحشهٔ بزرگ بر روی آنها ایستاده، قومها وجماعتها و امتها و زبانها می‌باشد. اماوحش، فاحشه را دشمن خواهد داشت و او را به آتش خواهد سوزاند.زیرا خدا در دل ایشان نهاده است که ارادهٔ او را به جا آرند و یک رای شده سلطنت خود را به وحش دهند تا کلام خدا تمام شود.و زنی که دیدی، آن شهر عظیم است که بر پادشاهان جهان سلطنت می‌کند»

باب ۱۸:

«بعد از آن دیدم فرشته‌ای دیگر از آسمان نازل شد که قدرت عظیم داشت و زمین به جلال او منور شد.و ندا داد منهدم شد منهدم شد بابل عظیم که او مسکن دیوها و پناهگاه هر روح خبیث گردیده بود.گناهان این شهر به فلک رسیده و خدا ظلمهایش را به یاد آورده است. بدو رد کنید آنچه را که او به دیگران داده و به او جزا بدهید.او را با عذاب و ماتم بسوزانید زیرا می‌گوید به مقام ملکه نشسته‌ام و ماتم هرگز نخواهم دید.پس بلایای او از مرگ و ماتم و آتش و قحط در یکروز و یکساعت خواهد آمد.وسوخته خواهد شد زیرا زورآور است خدایی که بر او داوری می‌کند. آنگاه پادشاهان دنیا که با او زنا کردند، چون دود سوختن او را ببینند گریه و ماتم خواهند کرد. و از خوف عذابش دورایستاده خواهند گفت: وای وای ای شهر عظیم،ای شهر

قدرتمند زیراکه بدترین عقوبت در یکساعت بر تو آمد. و تجار جهان برای او گریه خواهند کرد زیرا بضاعت ایشان در آنجا بود.بضاعت طلا و نقره و جواهر ومروارید و کتان و ابریشم و مس و آهن ومرمر و شراب و روغن وگندم و رمه‌ها و اجساد انسان.و تاجران این چیزها که بسیار دولتمندند از ترس عذابش دور ایستاده گریان و ماتم کنان خواهند گفت: وای وای ای شهر عظیم که به طلا ملبس بودی زیرا در یکساعت آن دولت عظیم نابود شد. و هر ناخدا و کل جماعتی که برکشتی‌ها می‌باشند و ملاحان و هرکه در دریا کار می‌کنند دور ایستاده و چون دود عظیم سوختن آن را دیدند فریاد کنان گفتند کدام شهر است مثل این شهر بزرگ. وای وای برآن شهر عظیم که دولتمند ونفیس بود و دریکساعت ویران گشت»

«پس ای آسمان، مقدسان، رسولان و مؤمنین شادی کنید زیرا خدا انتقام شما را از او کشیده است و این شهر دیگر هرگز یافت نخواهد شد. زیرا تو از اکابر جهان بودی و از جادوگران تو امتها گمراه شدند و خون تمامی مقدسین ومقتولین برعهدهٔ توست»

یک جمع بندی کلی:

تا اینجا سعی شد به موجزترین نحو داستان آخر زمان را به نقل از انجیل از ظهور ایزابل تا منهدم شدن شهری بزرگ بیان کنیم. اکنون قبل از آنکه داستان را به پایان ببریم راجع به عدد ششصد وشصت وشش صحبت می‌کنیم: انسانی با شمارهٔ ششصد و شصت وشش کیست؟در اقصی نقاط جهان آنرا عدد شیطان می‌نامند. در پیشگفتار یادآوری کردم که وقتی که یک متن باستانی را می خوانیم باید ازمفهوم تطور زبان اطلاعات کاملی داشته باشیم در پی آن مثالهایی به نظر شما رسید.

توجه شما را بدین نکته جلب می‌کنم که فرشته‌ای تعدادی تصویر را به یوحنا نشان می‌دهد، یوحنا ماهیت این تصاویر را کاملاً «به رشتهٔ تحریر» در آورده.او چیزی را دیده و آن را، عدد ششصد و شصت وشش توصیف کرده. این عدد بیست قرن متوالی است که بیشترین بحث و جنجال را در محافل دینی وعلمی دنیا برانگیخته. گاه آنرا رمزینه‌ای دانستند و آنرا با حساب ابجد فارسی و لاتین سنجیده‌اند گاه آنرا به بزرگترین کامپیوترهای جهان برای تجزیه وتحلیل داده‌اند.داستانهای مشهور و فیلمهای سینمایی اغلب موفقی براساس این عدد ساخته شده فیلمهایی مثل :طالع نحس، بچهٔ رزماری، دروازهٔ نهم و...

به عقیدهٔ نگارنده تمامی این تفاسیر راه خطاست زیر آنها به عدد ششصد وشصت وشش به عنوان یک عدد و شماره نگریستند.

مجدداً یادآوری می‌کنیم یوحنا تصویری را دیده که آنرا به زبان زمانی خودش یعنی زبان ۲۵۰۰ سال پیش، به شکل عدد ششصد وشصت وشش دیده. پس نباید این عدد را به صورت ۶۶۶ یا 666 با هر فرم دیگری نوشت.حال بینیم یوحنا ۲۰۰۰ سال پیش حقیقتاً چه تصویری را دیده است؟

به کتاب«دبیره» تالیف ذبیح بهروز مراجعه می‌کنیم این کتاب ارزشمند دربارهٔ زبانهای باستانی خاورمیانه و ایران نوشته شده و در آن تمام حروف، کلمات و اعداد در خاورمیانهٔ باستان از ۵۰۰۰ سال پیش تاکنون معرفی شده ،توجه شما را جلب می‌کنیم به مبحث جدول اعداد درکتاب (این جدول در پایان این کتاب آورده شده)

در چهار زبان باستان خاورمیانه: سومری، فنیقی و ایران باستان عدد شش به این شکل نوشته می‌شد«y».این همان شکل حرف«وای»در انگلیسی فعلی است.به عبارتی شکلی که یوحنا یا زکریا ۲۰۰۰ سال پیش دیده‌اند این بوده :yyy.

«وآن عدد مرداست وعددش yyy است.»

yyy چیست؟ تقریباً همگان می‌دانند که در انسان کروموزومهای X و Y وجود دارند.جنس مونث فرمول کروموزومی XX را داراست و جنس مذکر فرمول کروموزومی XY. گاه کروموزومها دچار اختلال می‌شوند. زیاد یا کم شدن این کروموزومها باعث ایجاد بیماریهای مادرزادی می‌شود. این بیماریهارا «سندرم» می‌نامند.سندرم به معنی مجموعه‌ای از نشانه‌ها است.در علم پزشکی وطب اطفال سندرمی وجود دارد به نام سندرم«مولتیپل وای ـ multiple y» دراین سندرم تعداد کروموزومهای y زیاد می‌شود.یعنی فرمول کروموزومی مرد به

جای XY، تبدیل می‌شود به :XYY یا، XYYY. تعداد این yهای اضافه حتی به ۸ عدد نیز می‌تواند برسد ولی شایعترین شکل سندرم مولتیپل وای، شکل دبل وای یا تریپل وای(double y - triple y) می‌باشد.

در متون پزشکی اغلب ایکس اول، به قرینه حذف می‌شود و سندرم به صورت مختصر فقط با تعداد yها معرفی می‌شود حال فرازهایی از مشخصات سندرم مولتیپل وای را از روی کتاب بیماریهای کودکان نلسون که معتبرترین کتاب اطفال است می‌خوانیم:

Multiple Y Syndrome:...studies outin prisons population,...aggressive antisocial behavior, elevated crime rate,difficult ethidal problems, difficult personality problems in school.

«مولتیپل وای مردانی هستند با ظاهری کاملاً طبیعی ونرمال(normal man)، با شخصیت ضد اجتماعی تهاجمی، کودن، کم هوش و بسیار بی استعداد، سرد و بی تفاوت، خشن و بی رحم و ضد مردم. در مطالعات تاریخچهٔ بیمار پرونده‌های بسیار بدی در مدارس و نزد والدین دارند. اغلب بخاطر وقوع جرم از زندانها سر در می‌آورند.شیوع این سندرم بالاست»

آنچه نگارنده از دروس ژنتیک در دانشگاه بخاطر دارم، استادمان می‌گفت این افراد حتی اگر برحسب اتفاق زندگی نرمال و بدون جرمی راداشته باشند،اغلب شغلهای خشن را براحتی انجام می‌دهند به هر حال کم هوشی مانع از آن می‌شود که درکار خود پیشرفت داشته باشند.به نظر می‌رسد موجود مهیب، جنایتکار و قدرتمندی که در

آخر زمان ظهور می‌کند و مردم باید او را چون خدا بپرستند مبتلا به این نوع بیماریست:«سندرم تریپل وای». این موجود بیرحم علیرغم قدرت فوق بشری اش، بیماری پریشان و آشفته خاطر است که از هیچ چیز لذت نمی‌برد. او از بزرگترین لذت بشری یعنی دوست داشتن و خوشحال بودن محروم است.او دشمن انسان است زیرا از نظر پزشکی یک انسان ۴۶ کروموزومی نیست.

مکاشفات چگونه پایان می‌پذیرد:

باب نوزدهم وبیستم و بیست و یکم: ابتدا از آواز بلندی صحبت می‌شود که گروهی باهم می‌خوانند و خدا را بخاطر نابودی و سوختن شهر بزرگ شکر می‌کنند.سپس بره یا شاه شاهان در اورشلیم فرود می‌آید،لشکری عظیم باقدرتی خارق‌العاده تحت فرماندهی اوست. او وحش و پیامبر دروغین و شیطان را از جایگاه خود بیرون می‌کشد و در دریاچهٔ کبریت گداخته می‌اندازد.مردم و مقدسین به کشتن امت پیامبر دروغین بر می‌خیزند. و سپس ضیافت عظیمی بر روی اجساد کشتگان بر پا می‌گردد.

باب نوزدهم :

«و بعد از آن شنیدم چون آوازی بلند ازگروهی کثیر در آسمان که می‌گفتند نجات و جلال و اکرام و قدرت از آن خدای ماست، زیرا که به عدل داوری نمود بر فاحشهٔ بزرگ و انتقام خون بندگان خود را از او کشید و او را چنان سوزاند که دودش تا ابد بالا می‌رود. سپس آواز رعدهایی پدید می‌آید شادی نماییم زیرا بره ظاهر شد و براو داده شد که کتان پاک خود را بپوشد.و دیدم ناگهان آسمان گشوده شد واسبی سفید که می‌آید که داوری و عدالت جنگ می‌کند. و چشمانش آتش

است و بر سرش افسرهای زیاد و لشکرهایی که در آسمان اند واسبهای سفید از عقب او می‌آمدند و شمشیری نیز از دهان اسب بیرون می‌آمد تا با آن امتها را بزند.اکنون اوست پادشاه پادشاهان. وحش و پیامبردروغین و همهٔ آنها که با او جنگ می‌کنند همهٔ آنان گرفتار شده به دریای کبریت گداخته انداخته خواهند شد و مردمان ومرغان آسمان در ضیافت خوردن گوشت جباران شرکت خواهند کرد چه غلام چه آزاد چه صغیر و چه کبیر»

باب بیستم که به نظر می‌رسد یک جمع بندی کلی است و تمامی داستان را به صورت مختصر دوباره بیان می‌کند.

باب بیستم:

«چون هزاره به انجام رسد شیطان از بند خود خلاصی یابد و او مقدسین مؤمنان را سرخواهد برید. او امتها را در چهار زاویهٔ جهان گمراه خواهد کرد وایشان را به جهت جنگ فراهم خواهد آورد که عدد ایشان چون ریگ دریاست.برعرصهٔ جهان برآمده لشکرگاه مقدسین را محاصره می‌کنند پس آتش از جانب خدا از آسمان فرو ریخته ایشان را می‌بلعد و ابلیس به دریاچهٔ آتش و کبریت گداخته انداخته خواهد شد جایی که وحش وپیامبر دروغین تا ابد عذاب خواهند کشید.»

درباب بیست و یکم بیان شده که جنگ بزرگ به پایان رسیده شیاطین نابود شده و شهر و آسمانی جدید بنا می‌شود و اورشلیم باشکوهترین ونورانیترین شهر جهان می‌شود.

باب بیست و یکم:

«ودیدم آسمان جدید و زمینی جدید بوجود آمد زیرا آسمان و

زمین اوّل نمی‌باشد و شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از جانب خدا چون عروس آراسته می‌شود. آنگاه مسیح هراشکی را پاک خواهد کرد. بعد از آن دیگر ماتم و ناله نخواهد بود زیرا که چیزهای اول درگذشت.اما ترسندگان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران وبت پرستان وجمیع دروغگویان در آتش کبریت افکنده خواهند شد.پس این اورشلیم است که فرود می‌آید غرق در نور مانند جواهر گرانبها می‌درخشد و شب در آنجا نخواهد بود.»

علاوه برمکاشفات یوحنا در انجیل قسمت دیگری بنام رسالهٔ اول یوحنای رسول وجود دارد که بسیار مختصر است. در این رساله از دوران تاریکی صحبت می‌شود که در آن دجال ظهور می‌کند دجال دروغگوست و هیچگاه سخن راست نمی‌گوید. او دروغگو و دشمن خداست.

رسالهٔ یوحنا باب دوم آیات ۲۲ تا ۲۷:

«دروغگو کیست جز آنکه مسیح بودن عیسی را انکار کند و دروغگو دجال است.که پدر و پسر را انکار می‌کند.کسی که پسر را انکار کند، پدر را هم ندارد و کسی که پدر را دارد پسر را نیزدارد.اماشمااای مؤمنین‌به پدروپسرمؤمن بمانید.زیرا اینست آن وعده‌ای که او به ما داده. تا هنگام ظهورش خجل نباشیم»

آرماگدون Armageddon

آرماگدون، در زبانهای اروپایی رایج به معنی «مکان وقوع آخرزمان» می‌باشد.در انجیل لاتین، آرماگدون، محلی است که لشکرهای خدا جمع می‌شوند تانبرد آخر زمان آغاز شود.اصل عبرانی این لغت«حارمجدون»است.

مکاشفات یوحنا باب ۱۶ آیهٔ ۱۷:

«ایشان را به موضعی که در عبرانی آن را«حارمجدون» می خوانند فراهم آورند».

حارمجدون درعبری به معنای ناحیهٔ کوهستانی مجیدو می‌باشد.(mountain region of megiddo).

همچنین درکتاب دانیال نبی در تورات به تجمع لشکرهای موعود در محلی به نام«کوه‌های مجید مقدس» اشاره شده‌است.

کتاب دانیال باب ۱۱ آیهٔ۴۵:

«وخیمه‌های ملوکانهٔ خود را درکوه مجید مقدس در میان دو دریا برپا خواهد نمود»

علماء مسیحی و یهودی بسیار در مورد این مکان جغرافیایی بحث کرده‌اند و اکثراً می‌گویند که آرماگدون یا حارمجدون باید نام‌کوهی در فلسطین باشد.

باید بدانیم در جغرافیای فعلی جهان، کوهی بنام حارمجدون یا مجید مقدس در فلسطین یا لبنان وجود ندارد. اصولاً این سرزمینها، زمینهای مسطح کنار دریا هستند.چند تپهٔ بلند وکوتاهی هم که دراین سرزمینها موجود می‌باشد(مثل بلندیهای جولان) هیچکدام نام

حارمجدون یامجید یا چیزی شبیه به این را ندارند.

جالب اینجاست که بدانیم دراسامی جغرافیای عبرانی این مناطق در ۲۰۰۰ سال پیش نیزکوهی به این نام وجود نداشته یعنی اصلاً دراین منطقه کوهی وجود ندارد.

دوباره متن دانیال نبی را بخوانید:«این کوه مابین دو دریاست»

می‌دانیم دانیال نبی قبل از مهاجرت به ایران از اهالی فلسطین بوده (رجوع شود به مقالهٔ پایانی) چرا کسی که به جغرافیای موطنش به خوبی آگاه است باید این طور ابهام‌آمیز ازحارمجدون صحبت کند؟ چرا فرشته هنگام وحی به دانیال «آدرس» داده: ـ ناحیهٔ میان دو دریا ـ اگردانیال به عنوان یک فلسطینی این مکان را می‌شناخته نیازی به آدرسی تا این اندازه اسرارآمیز نبوده است.فرشته می‌توانسته خیلی راحت‌تر بگوید: کوه مجیدمقدس، نزدیک اورشلیم.

می‌توانیم نتیجه بگیریم«حارمجدون» یا کوه مجید مقدس یا آرماگدون، برای نویسندگان تورات و انجیل مکانی ناشناخته محسوب می‌شده،حال به تجزیه و تحلیل این واژه می‌پرازیم.

«حارمجدون» یک ریشهٔ فارسی باستان داد.پیشوند «هرا» یک پیشوند اوستایی است به معنی«کوه» یا «منطقهٔ کوهستانی». در اوستا به طور مثال به کوه البرز«هرابورزتی» می‌گویند.پیشوند اوستایی«هرا» در طی زمان تبدیل به حروف «ال» شده است.این همان الف ولامی است که در اول اسامی کوههای معروف ایران وجود دارد:البرز، الموت، الوند، الکند و...اما دربارهٔ قسمت دوم این واژه یعنی «مجدون»،ازکلمهٔ«مجد» عربی وعبری می‌آید. به معنای شکوه و بزرگی و تقدس. واژهٔ مجد، ریشه‌ای فارسی دارد: واژهٔ«مزدا»یا«مزد» که همان واژه‌ای است که درکلمات: اهورامزدا یا اورمزد یاهرمزد

وجود دارد.باتوجه به اینکه به دانیال نبی درایران وحی می‌رسیده و نظر به اینکه اصل مکاشفات یوحنا، دنبالهٔ کتاب زکریاست که اصلاً به زبان فارسی باستان نگاشته شده، اصل این کلمه می‌بایست این بوده باشد:«هرامزدا» به معنی کوه با شکوه و مقدس. کسانی که به تقسیم بندی ایالات ایران در سیستم هخامنشی آشنایند، به خوبی می‌دانند منطقهٔ«هرامزدا» کجاست.

توجه شما را نیز جلب می‌کنم به شباهت واژهٔ«هرامزدا»با «هرمزدگان». و جالب اینجاست که در تقسیمات کشوری فعلی، استان هرمزگان، درست بالای تنگهٔ هرمز ودر مرز اتصال دو دریای عمان و خلیج فارس قراردارد!

به نظر نگارنده کلمهٔ لاتین آرماگدون دگرگون شدهٔ لفظ فارسی هرمزدگان است.

وقت معلوم

کجاست صوفی دجال چشم ملحد شکل
بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید

وقت معلوم

ادیان از نظر باستانشناسان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

ادیان آپوکالیپتیک و ادیان غیر آپوکالیپتیک.

در لاتین به آخرزمان آپوکالیپس(apocalypse) می‌گویند. ادیان آپوکالیپتیک به ادیانی گفته می‌شود که در کتب آسمانی آنها به نحوی دربارهٔ آپوکالیپس وظهور موعود در انتهای آن سخن بگوید. مثل زرتشتی، شینتو، مسیحی، یهودی وادیان تبتی.

ادیان غیرآپوکالیپتیک ادیانی هستند که در کتب آسمانی آنها صحبت واضحی از آخرزمان و موعود نیست یا به طور مبهمی از این موضوع بحث شده است.باید بدانیم اسلام، از نظر باستانشناسی لاتین، یک دین غیرآپوکالیپتیک است. باستانشناسان اروپایی با استناد به اینکه در قرآن صحبت واضحی در مورد آخر زمان و ظهور موعود نیست اسلام را یک دین غیرآپوکالیپتیک می‌نامند.پرواضح است این نظریه کاملاً به خطاست. علمای اهل تسنن برخی از سوره‌های قرآن را حاوی اخبار آخر زمان می‌دانند سوره هایی مثل:

بروج.(عقیدهٔ نگارنده نیز بر این است که علاوه بر سوره‌های بروج،سوره‌هایی مثل فجر والقارعه نیز اشاراتی برپدیدهٔ آخر زمان دارند)

علمای مذهب تشیع نیز کتابهایشان مملو از آیات قرآنی و روایات اسلامی برمبنای آخر زمان می‌باشد. مثل:

سورهٔ انعام آیهٔ ۳۶:«شیطان گفت خدایا به من مهلت ده تا روزی که

مردم انگیخته شوند. خدا گفت به تو مهلت داده شد تاروزی که وقت آن معلوم است»
به تاویل علماء شیعه وقت معلوم همان قیام قائم آل محمّد(عج)است.
سورهٔ بقره آیهٔ ۱۵۰:«شما را امتحان می‌کنم به چیزی از ترس و گرسنگی وکاهش اموال وزندگی و در آخر مژده برای صابرین خواهد بود»
سورهٔ اسراء آیهٔ ۸۳:«بگو حق آمدنی است و باطل از میان می‌رود بدرستی که باطل رفتنی است»
سورهٔ سجده آیهٔ ۲۱:«پیش از عذاب بزرگ به آنها عذاب نزدیکتری را می‌چشانیم شاید برگردند»
سورهٔ قصص آیهٔ ۴:«اراده کردیم که منت نهیم برآنان که در زمین زبون گشتند و آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. و آنها رادر زمین جای دهیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها نشان دهیم آنچه راکه آنها از آن می‌ترسیدند»
سورهٔ انبیا آیهٔ ۱۰۵:«در زبور و سایر کتب آسمانی بعد از آن نوشتیم که زمین را بندگان صالح ارث می‌برند»
به هر حال علاوه بر مثالهای فوق که همگی در این مبحث مورد تایید بسیاری از علماء شیعه می‌باشد نگارنده را عقیده بر اینست که کلمهٔ«یوم الآخر»که در رستاخیز و قیامت ترجمه شده، همان آخر زمان است.زیرا که برای رستاخیز کلمهٔ مناسبتر«یوم القیامه» وجود دارد.یوم الآخر احتمالاً واژه‌ای است که دچار تطور شده. باز به عقیدهٔ نگارنده علاوه بر سورهٔ بروج که گروهی از علماء شیعه وسنی برخبر آخرزمان آن متفق القول‌اند، سوره هایی چون فجر و قارعه نیز بیانگر

حادثه‌ای در آخر زمان هستند. همچنین نگارنده توجه خوانندگان را به شباهت زیاد سورهٔ بروج به باب ۱۷ و ۱۸ مکاشفات یوحنا جلب می‌کند. ولی این یک برداشت شخصی است و اصراری دربارهٔ آن ندارم.

درهر صورت باید بدانیم که هر دو مذهب بزرگ دین اسلام یعنی شیعه و سنی را اعتقاد راسخی است بر ظهور موعود آخر زمان.روایات و احادیث در هر دو مذهب یکسان یا بسیار شبیه هم‌اند.تنها تفاوت بین شیعه وسنی درین است که ما شیعیان معتقدیم که مهدی موعود، فرزند امام حسن عسگری(ع) می‌باشد که از سال ۲۶۰ هجری غایب شده ودوباره ظهور خواهد کرد.ولی اهل تسنن را اعتقاد برین است که قائم آل محمّد(عج) در آخر زمان متولد خواهد شد و در زمان زندگی خودش غیبتی دارد که بعد از آن غیبت ظاهر خواهد شد.

مهدی موعود

چهارصد سال پیش مردی در اصفهان شروع کرد به جمع آوری تمام روایات مربوط به آخر زمان و مهدی موعود.

باوجود اینکه او مهمترین و کاملترین کتابخانهٔ جهان آن روزگار را زیر نگین داشت به روایات داخل کتابها اکتفا نکرد.اوکاری را انجام داد که نه قبل ونه بعد از او هیچ کس در هیچ کجا انجام نداده است.

علیرغم‌مقام مهمش در دستگاه حکومتی و وجههٔ فوق‌العادهٔ یک عالم مذهبی در میان مردم، مثل یک فرد عادی به کاروانسراها، قهوه خانه‌ها و بازارها رفت.با تمام مردم ومسافرین نشست و برخاست کرد و از هرکسی از عامی تا ملا یک مسئله را پرسید: از آخر زمان و مهدی موعود چه می‌دانید؟

او تمام جوابها را با حوصله شنید وبا حوصلهٔ بیشتری یادداشت کرد.

حاصل این گردآوری، جلد سیزدهم کتاب بحارالانوار بود:«مهدی موعود».

علامهٔ مجلسی، به هیچ وجه مؤلف این مجموعهٔ عظیم و ارزشمند نیست. او تدوینگر و تنظیم کنندهٔ تمام گزارشهای مردمی زمان خودش می‌باشد.وچون کتابخانهٔ عظیم امپراتوری صفوی در حملهٔ خانمانسوز محمود افغان سوخت و نابود شد، چکیدهٔ آن کتابها در این کتاب که توسط علما از شر افغانها نجات پیدا کرد،باقی ماند.

مهدی موعود راباید خواند نه بخاطر اینکه یکی از معتبرترین منابع جهان اسلام در باب اخبار آخر زمان و صفات حضرت مهدی

(عج)است، بلکه بخاطر آگاهی از دستاورد دانشمند متواضعی است که خود پرستی وتکبر را کنار گذاشته و از پرسش از زیردستان و مباحثه با علمای اهل تسنن، عار نداشت.(دراینجا باید از ترجمهٔ بسیار روان و عالی دانشمند معاصر علی دوانی قدردانی کرد که این متن ارزشمند را دههٔ چهل هجری شمسی به فارسی برگردانده است)
«علائم ظهور»، باب سی ام کتاب مهدی موعود می‌باشد که با این پاراگراف شروع می‌شود:
«صدوق از عبدالله بن سلیمان نقل کرده: خداوند متعال به حضرت عیسی فرمود تو را به سوی خود بالا می‌برم و سپس در آخر زمان فرود می‌آورم تا آنکه عجایب آن پیامبر را از امت او ببینی و او را در مبارزه با دجال ملعون یاری کنی.من تو را در موقع نماز فرود می‌آورم تا با آنها نماز بگزاری زیرا آنها امتی هستند که رحمت الهی برآنها فرود می‌آید»
در این کتاب برای ظهور مهدی موعود ابتدا چهار علامت به عنوان علائم چهارگانهٔ اصلی عنوان می‌شوند و سپس به علائم فرعی پرداخته می‌شود.چهار علامت اصلی عبارت اند از:

۱ـ ظهور دابه الارض
۲ـ خروج دجال
۳ـ فرود آمدن عیسی بن مریم در بیت المقدس
۴ـ طلوع آفتاب از مغرب.

ما نگارنده را قصد براین است که ابتدا دربارهٔ چهار علامت اصلی بحثی داشته باشیم و سپس به سایر علائم بپردازیم.

۱ـ خبر اول: دابه الارض

ترجمهٔ این کلمه می‌شود:جنبنده بر روی زمین .دابه این مشخصات رادارد: بسیار عظیم و بزرگ است، در حالی که ظاهراً ساکن است تمام اجزایش حرکت می کند.

به نقل از امیرالمؤمنین (ع) در بحارالانوار و در صفحه ۹۶۶در باب دابه الارض چنین آمده است:

«گفت پس از آنکه دجال ظهورکرد حادثهٔ بزرگی روی می دهد. عرض کردیم:یا امیرالمؤمنین چیست آن حادثه، فرمود: دابه الارض که از دامنهٔ مکه است.انگشتر سلیمان و عصای موسی با اوست آن انگشتر را بر روی هر مؤمنی می‌گذارد نوشته می‌شود این مؤمن است و بر روی هر کافری بگذارد نوشته می‌شود این کافر است.سپس دابه سر خود را بلند می‌کند و مردم مشرق و مغرب او را می‌بینند بعد از طلوع خورشید از جانب مغرب به اذن خدا هرکسی او را می‌بیند. آنگاه دیگر توبه پذیرفته نخواهد شد.باقی این را از من نپرسید که جز با عترتم باهیچکس نخواهم گفت»

۲ـ خبردوم: خروج دجال

ابتدا صحبتی داریم راجع به معنی واژهٔ دجال

دجال بر وزن فعال صیغهٔ مبالغهٔ عربی از مصدر دجل در لغت است.به معنی تذهیب و آب طلا دادن.ودراصطلاح به معنی فریبکاری و به دروغ چیزی را جز آنچه هست جلوه دادن است.لذا دجال بر وزن فعال یعنی بسیار دروغگو و از این لحاظ فرق دارد با واژهٔ کذاب که

آنهم به معنی بسیار دروغگوست.

دجال یعنی بسیار دروغ بند بر خدا. آنکس که به خدا قسم دروغ بخورد.

دکتر خزائلی در کتاب اعلام قرآن نظر دیگری دارد:دجال واژه‌ای فارسی است که وارد عربی شده این کلمه به دو قسمت تقسیم می‌شود.«دج» و«آل». خزائلی معتقد است که دج، همان«دژ»فارسی است.درفارسی باستان،«دژ» یک پیشوند است به معنی «ضد».باید بدانیکه «پاد» نیز یک پیشوند است به معنی«ضد» اما پاد در نفس خود مفهوم خوبی دارد وقبل از کلمات بد می‌آید و به آنها مفاهیم بد بدهد مثل:دژخیم، دژنام(دشنام)، دژمن(دشمن)، دژاکام(ناکام).

دکتر خزائلی می‌گوید که «دج» همان «دژ»فارسی است.اما«ال» همان ال «الهه یاالله» می‌باشد. این کلمه فارسی بوده و اصل آن «دژالهه»بوده است که بعداً به «دژال» وسپس به دجال در عربی تبدیل شده.

علامهٔ مجلسی در کتاب مهدی موعود نظر سوم را ارائه می‌دهد او می‌گوید دجال اسم عام است وهیچ معنی خاصی نمی‌دهد.دجال نام موجود عجیبی است که در آخر زمان ظهور می‌کند و جهان را به خاک و خون وتباهی می‌کشاند. و آن کنایه از نامی دو قسمتی است که قسمت دومش کلمهٔالله است.

علائم ظهور باب سی‌ام صفحهٔ ۹۶۵:

«پرسیدیم یا امیرالمؤمنین دجال کیست؟فرمود دجال صائدبن صید است.شقی کسی است که ادعای او را تصدیق کند و سعید کسی است که او را تکذیب کند. از قریه‌ای نزدیک به شهر اصفهان به نام یهودیه بیرون می‌آید.چشم ندارد و یا یک چشم است چیزی در چشم اوست(که با دیگران فرق دارد)در پیشانیش نوشته این کافر

است.ذرجلوی رویش کوهی از دود است در پشت سرش کوهی سفید است. او دریک قحطی سخت می‌آید.برالاغ سفیدی سوار است که یک گام الاغش یک میل راه است و زمین زیر پای او در نور دیده می‌شود. از هیچ آبی نمی‌گذرد مگر اینکه تا روز قیامت خشک شود.با صدای بلند ندا می‌دهد که از مشرق تا مغرب همه آن را می‌شنوند او می‌گوید من خدای شما هستم و من شما را آفریدم.من روز شما را تقسیم می‌کنم. دجال دشمن خداست و دروغ می‌گوید. غالب پیروان او اولاد زنا هستند و چیزی سبز بر سر و دوش خود دارند. خداوند او را در شام سه ساعت از روز جمعه برآمده بدست کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نمازگذارد می‌کشد. بعد از آن دابه الارض ظاهر می‌شود»

همچنین اخباری از پیامبر نقل شده که فرمود:

«خداوند هیچ پیغمبری را مبعوث نگردانید جز آنکه قوم خود را از خطر دجال ترسانید.او دعوی خدایی دارد ومی آید درحالی که بر الاغ سفیدی سوار است که فاصلهٔ میان دو گوشش یک میل راه می‌باشد. او خود را مقسم بهشت و جهنم می‌داند. و پیروان او یهودی، زنان و عربهای بیابانگرد هستند او به جز مکه به همه جای دنیا قدم می‌گذارد».

باید بدانیم اهل تسنن هم به خروج دجال معتقدند. و عجیب اینجاست که آنها دجال راغایب و زنده می‌دانند که مدت طولانی غیبت می‌کند،اصل او را از اصفهان می‌دانند و در آخر زمان خروج می‌کند او دارای قدرت عجیبی است. یک چشم او مسح شده و در چشم دیگرش علامتی است او از هر جا می‌گذرد بدبختی و مصیبت

پیش می‌آید.

علائم ظهور باب سی‌ام صفحهٔ ۹۸۶:

«از امیرالمؤمنین پرسیدیم این امر کی واقع می‌شود فرمود: وقتی آن زندیق از قزوین قیام کند و پردهٔ ناموس مردم آنجا را بدرد. هرکس از آن زندیق فرار کند او را به چنگ آورد، و هر کس با او جنگ کند، به قتل رسدو هرکس از او کناره‌گیری کند، فقیر شود وهرکس از او متابعت کند کافر گردد. تا آنجاکه مردم به دو دسته می‌شوند: یکدسته برای از دست رفتن دین خود گریه می‌کنند و دستهٔ دیگر برای از دست رفتن دنیای خود می‌گریند»

دجال چه وقت می آید؟

«حضرت علی پس از اقامهٔ نماز به مردم گفت ای مردم پیش از آنکه مرا از دست بدهید سؤال کنید. جابر برخاست و گفت یا امیرالمؤمنین دجال کی خواهد آمد؟ حضرت فرمود: آنچه می‌گویم از برکن. دجال وقتی می‌آید که مردم نماز را بمیرانند و امانت را ضایع کنند و دروغ گفتن را حلال شمرند و ربا خورند و رشوه بگیرند و ساختمانهای محکم ساخته شود. حلم و بردباری در میان آنها نشانهٔ ضعف و ناتوانی باشد. امرا فاجر، وزرا ظالم، علما خائن و قاریان قرآن فاسق باشند. شهادت باطل آشکار شود و قرآنها زینت داده شود و مسجدها نقاشی شود و مناره‌ها بلند شود و صفها بسته شود.

بزرگ قوم، رذل‌ترین آنهاست. خائن امین گردد. زنان نوازنده آلات طرب بدست گرفته نوازندگی کنند ومردم بر پیشینیان خود لعنت بفرستند. زنان به مردان و مردان به زنان شبیه شوند. پوست میش را بر دلهای گرگ بپوشند در آن موقع شتاب کنید که بهترین جا بیت المقدس است. روزی خواهد رسید که هرکسی آرزو کند از اهالی آنجاباشد»

۳ـ خبر سوم: فرود عیسی در بیت المقدس

تعبیر واضحی از این خبر در مجوعهٔ پیشگوییها نیست. این علامت جزو آخرین علائم قبل از ظهور است. فرود عیسی از آسمان همراه با ظهور اصحاب کهف می‌باشد. گاه آن را قبل و گاه بلافاصله بعد از طلوع خورشید از مغرب می‌دانند.

۴ـ خبر چهارم: طلوع خورشید از مغرب

این یکی از مشهورترین و عجیب‌ترین و روشن‌ترین علائم قبل از ظهور است.

در تفسیر قمی از امام محمدباقر(ع) چنین نقل شده: «مقصود آتشی است که از مغرب بیرون می‌آید و فرشته‌ای آن را از عقب می‌راند و به محلهٔ سعد می‌رسد و تمام خانه‌های کفار و بنی امیه رامی سوزاند و آن از علائم ظهور مهدی است»طلوع آفتاب از مغرب، هر چه باشد به طور مرتب و تواتر و تکرار در جای جای متون احادیث اهل تشیع و تسنن دیده می‌شود.

علائم ظهور، صفحهٔ ۹۸۴:

«پیغمبر فرمود قبل از قیامت ده علامت باشد:دجال، دخان، دابه الارض، قیام قائم، طلوع آفتاب از مغرب، فرود آمدن عیسی از آسمان، فرو رفتن زمین در شرق، فرو رفتن زمین در جزیره و آتشی که از قلب شهر عدن(بهشت) بیرون می‌آید و مردم را به محشر سوق می‌دهد»

علائم ظهور، صفحهٔ ۹۹۷:

«ستاره‌ای چون خورشید طلوع خواهد کرد که مانند ماه می‌درخشد آنگاه گرفته و کمانی می‌شود بطوری که دو سرآن می‌خواهد به هم برسد وسرخی در آسمان پدید می‌آید و در آسمان پخش می‌شود.آتشی دراز نمایان می‌شود که سه روز در هوا می‌ماند و مردم از فرمان پادشاه عجم بیرون می‌آیند»

علائم ظهور، صفحهٔ ۱۰۰۶:

«قائم از فرزندان علی است. بعد از غائب شدنش ستاره از جایی به

غیراز مکان خود طلوع می‌نماید واو ظهور پیدا می‌کند»

علائم ظهور،صفحهٔ ۱۰۱۰:

«هرگاه دیدید آتشی بزرگ مانند هراتی بزرگ(هراتی نام لباس گشاد مردم افغانستان و هرات می‌باشد) ۳ یا ۷ روز در آسمان طلوع کرد، منتظر ظهور قائم آل محمد باشید»

خبرقیس از حضرت علی، صفحهٔ ۱۰۵۱:

«آگاه باشید که برای آمدن او ده علامت است، علامت اول طلوع ستارهٔ دنباله دار از مغرب که در آن موقع هرج ومرج رخ می‌دهد و آن علامت گشایش است»

علائم ظهور، صفحهٔ ۱۰۵۲:

«وقتی آفتاب از محلی غیر از محل خود طالع شود قائم آل محمّد(عج) ظاهر خواهد شد»

خروج سفیانی،صفحهٔ ۱۰۵۸:

«وقتی ظاهر می‌شود که شعلهٔ آتشی از مغرب زمین دامن خود را بالا زده و می‌گوید: وای برآنها که طعمهٔ من شوند»

طلوع آفتاب از مغرب

درداستان مکبث شکسپیر می‌خوانیم جادوگران برای مکبث چنین پیشگویی کردند:

۱ـ دولت تو وقتی از بین می‌رود که جنگل بیرمنگام حرکت کند. ۲ـ هیچ مردی که از زنی زاییده (born) شده باشد، نمی‌تواند ترا بکشد. مکبث شادمان به قصرش برمی گردد. زیرا هر دو پیشگویی وقوعش غیر ممکن است: جنگل از جای خود حرکت نمی‌کند و هر مردی را زنی زاییده. اما ساعتی بعد نگهبانان کاخ، وحشت زده به نزد مکبث می‌آیند که: جنگل بیرمنگام حرکت کرد! مکبث به ایوان می‌آید و در میان مه درختان جنگل را می‌بیند که به سرعت به سوی کاخ می‌آیند. فرماندهٔ سپاه دشمن شاخه‌های درختان را بریده و آن را به سربازان خود داده بود تا خود را استتار کنند و این، سربازان را از دور چون درختان متحرک نشان می‌داد در آخر هنگام نبرد مکبث با فرماندهٔ سپاه، او در میانهٔ جنگ لاف می‌زند که جادوگران برایش پیش بینی کرده‌اند که هیچ مردی که زاییده شده باشد نمی‌تواند او را بکشد. سردار سپاه می‌خندد و می‌گوید پس اینک ای مکبث آن مرد منم، زیرا که مادرم هنگام زایمان مرد و پزشک حاذقی پهلوی او را با خنجر درید و مرا بیرون کشید بدین ترتیب من هرگز از زنی «زاییده» نشدم.

این حکایت از شکسپیر نقل کردم تا بگویم که نبایدمثل مکبث فکر کنیم. «طلوع آفتاب از مغرب» غیرممکن است. تمام قوانین فیزیک و نجوم این غیر ممکن بودن را تایید می‌کنند. ولی قوانین فیزیک و نجوم

حرکت جنگل بیرمنگام را هم انکار می‌کرد!همانطور که قوانین پزشکی زمان شکسپیر جز زایمان طبیعی راه دیگری برای تولد طفل نمی‌دانست. پس باید مثل مکبث فکر نکنیم.طلوع خورشید به ظن قوی، کنایه است از ظهور یک پدیدهٔ خورشیدی در روی زمین، آیا تا به حال به تصاویر و فیلمهای انفجارات اتمی در تلویزیون توجه کرده‌اید؟ لحظات اول انفجار به چه چیز شبیه است؟ بهترین توصیف اینست: طلوع آفتاب از نظر علمی نیز فرآیند انفجار اتمی یعنی تبدیل عناصر به یکدیگر و آزاد شدن انرژی عظیم یک پدیده خورشیدی است.

درحقیقت در بمب هیدروژنی بوضوح همان اتفاقی می‌افتد که در خورشید وجود دارد:تبدیل هیدروژن به هلیم.پس می‌توانیم بگوییم: بالاخره جنگل بیرمنگام حرکت خواهدکرد!ازچهار علامت اصلی که بگذریم سایر علائم بسیار مغشوش بیان شده‌اند و رویهم رفته هیچ انسجام مشخصی ندارند من آنها را به ترتیب نگارش درکتاب ذکر می‌کنم.

باب ششم، روایات شیعه و سنی دربارهٔ مهدی صفحهٔ ۲۷۹:

«فقهای راهنما قلیل و فقهای ضلالت پیشه و خیانت کار افزون گردند و شاعران بسیار باشند.امت تو قبرستانهای خود را مسجد کنند و قرآنها را زینت دهندو مسجدها منقش شوند. ظلم و فساد در همه جا شایع و افعال قبیح درکوی وبرزن آشکار شود. امت تو مرتکب قبایح گردند،مردها به مردها و زنها به زنها اکتفاکنند. دولتهاکافر و اولیاء امور فاجر و دستیاران آنان ظالم و نمایندگان آنان فاسق گردند. در آن هنگام سه خسوف پدید آید یکی در مشرق ویکی در مغرب و دیگری در جزیرةالعرب.شهر بصره بوسیلهٔ شخصی از نسل تو که پیروان او زنگیان می‌باشند خراب می‌شود و مردی از اولاد حسین(ع)قیام

می‌کند و دجال از سیستان خروج نماید و سفیانی ظاهر شود»
باب ششم. روایات اهل تسنن دربارهٔ مهدی صفحهٔ ۲۸۳:
«محمد گفت نامش نام من و کنیه‌اش کنیهٔ من می‌باشد صورتش و سیرتش ازهمه کس به من شبیه‌تر است. غیبتی کند که مردم دچار حیرت شوند و بسیاری گمراه شوند. آنگاه مانند ستارهٔ تابانی از پردهٔ غیبت بدرآید و زمین را پر از عدل و داد کند آنچنان که پر از ظلم و ستم بود»
باب ششم، روایات اهل تسنن صفحهٔ ۲۸۹:
«روی او مانند زر سرخ و شمشیرش آتشبار است با ذلت به کوه می‌رود و با عزت از آنجا بیرون می‌آیدو درکنف حمایت جبرئیل می‌باشد»
باب ششم: روایات اهل تسنن صفحهٔ ۲۹۶ و ۳۰۵:
«چون پرچمهای سیاه ببینید که از خراسان می‌آید به استقبال آن بشتابید هرچند با رفتن از روی برف باشد. چون در آن جماعت مهدی موعود است. آنها به شهر دمشق می‌آیند و آن را منهدم می کنند و پیروان پادشاهان را در آنجا می‌کشند مردمی از جانب مشرق قیام می‌کنند و سلطنت را برای مهدی آماده می‌سازند»
باب ششم روایات اهل تسنن صفحهٔ ۳۱۵:
«مهدی با عیسی بن مریم قیام می‌کند. وعیسی به وی درکشتن دجال در باب لد فلسطین کمک می‌کند.مهدی با مردم نماز می‌گزارد و عیسی به وی اقتدا می‌کند»
باب ششم گفتار بن طاووس صفحهٔ ۳۲۲:
«در ماه رجب سه صدا شنیده می‌شود. صدای اول لعنت خدا بر

ظالمین و صدای دوم قیامت نزدیک است ودر صدای سوم به طور آشکار شخصی را نزدیک خورشید می‌بینید که می‌گوید ای اهل علم آگاه باشید خدا مهدی را برانگیخت و روز مرگ ستمگران فرا رسید»
«آنگاه مهدی ظهور می‌کند و خدا دلهای دوستان راشاد می‌گرداند»
اخبار امام صادق صفحهٔ ۳۷۵:
«او سالها غیبت کند. بی دینان می‌پرسند او مرده یا به هلاکت رسیده و اگر هست به کدام بیابان رفته است؟موقعی که اوضاع جهان دستخوش تغییرات می‌شود و بگویند که قائم مرده یا به هلاکت رسیده یا به بیابان رفته بعد از آن با شمشیر قیام می‌کند»
باب شانزدهم،اخبار کاهنان صفحهٔ ۲۹۶:
«شاه اردن ازکاهن سطیح پرسید از آنچه در آن روزگاران پدید می آید مرامطلع گردان. کاهن گفت ای پادشاه هنگامی که نیکان از میان بروند و اشرار به جاه و مقام رسند و مقدرات الهی تکذیب شود و قطع رحم نمایند و غذاهای حرام پیدا شود که بسیار لذیذند و آنوقت که ستارهٔ دنباله داری که عرب را پریشان کند طلوع نماید.در آن هنگام باران نبارد و رودها خشک شوند واوضاع جهان دگرگون گردد و نرخ‌ها در همه جای جهان بالا رود و مردی از اولاد معاویه خروج کند که زنان راشکنجه کند و کوفه را غارت کند.در آن موقع مهدی ظاهر گردد سپس مرد پاکدلی در مدینه ویکی درمکه کشته می‌شوند وسپس مرد وحشتناکی با یاوران ستمگرش بیایند و رومیان بزرگان را به قتل برسانند و لشکرها بایید و صفها بسته شود.آنگاه آفتاب گرفته شود و پادشاه یمن خروج نماید»
بقیهٔ پیشگوییها و اخبار در باب سی ام این کتاب تحت عنوان علائم

ظهور آمده است.متاسفانه باوجود ترجمهٔ روان علی دوانی، بسیار مبهم ومغشوش است و اغلب پاراگرافها وجملات مرتباً و مرتباً تکرار می‌شوند.به پاره‌ای از آنها که با وسواس تکرار شده‌اند توجه فرمائید:

«وقتی ببینید حیوانات یکدیگر را می‌درند.

وقتی ببینید جانوران موذی یکدیگر را می‌درند.

وقتی آشوب و جنگهای بزرگی در شام وعراق صورت گیرد، نابود شدن سرزمین بابل خراب شدن کوفه وبغداد،فرو رفتن زمین در بغداد، صداهای بلندی که از آسمان می‌آید،دودی که چهرهٔ مردم راتغییر می‌دهد.شورش عظیمی در شهرهای هیت و انبار(شهرهای باستانی ایران)، نبرد و کشتار بین دو دسته مردم عجم، نابود شدن یکساعتهٔ شهری آباد پر از زنان زیبا به نام«دارالفاسقین» توسط آتشی مهیب، فرو رفتن لشکری عظیم در بیابان بیداء، فرو رفتن لشکرها در شام، پیاده شدن لشکری از روم وکشته شدن شخصی پاکدل و چهارنفر از یارانش زیر آواری در شهرکوفه، اجساد فراوانی که در پل بصره روی هم ریخته می‌شوند، وحشتی که مردم عراق را فرا می‌گیرد،خروج شخص یمنی، مرگهای سریعی که اهالی عراق و بغداد را از پا در می‌آورد، جنگ بزرگ درکنار فرات به رهبری پادشاهی از مغرب، قتل عام مردم کوفه،حادثه‌ای مابین حرمین و کشتگانی که مثل کف صابون روی زمین می‌ریزند، نابود شدن شهر فراعنه، خراب شدن شهر ری،آشفته شدن اوضاع روم، خراب شدن شام، لشکری که درکنار فرات می‌جنگند و صدها هزار نفر از ستمگران را می‌کشند، لشکرهایی که از خراسان به سرعت برق پیش می‌تازند،آمدن بیوح قبل از ظهور قائم(بیوح یعنی گرمای سوزان،باد



داغ)، نابود شدن نُه دهم مردم زمین، آمدن زلزلهٔ عظیم که خداوند آن زلزله را رحمتی برای مؤمنین و عذابی برای کفار قرار داده است،آمدن نالهٔ بزرگ و مرگ سرخ» اما در میان تمام این اخبار درهم و مبهم یک خبر به صورت متواتر جابه جا تکرار می‌شود:«وحشت ماه رمضان»

علائم ظهور صفحهٔ ۱۰۱۳:

«صدای آسمانی از امور حتمی است آمدن سفیانی نیز حتمی است کشته شدن مردی پاکدل نیز حتمی است وگرفتن خورشید نیز حتمی است.آنگاه فرمود وحشتی در ماه رمضان خواهد بود که هرکس به خواب رفته باشد بیدار و آنها که بیدارند هراسان می‌شوند ومردم از خانه‌ها بیرون می‌دوند»

علائم ظهور صفحهٔ ۱۰۷۳:

«این آیت وعلامت آسمانی به قدری وحشت آور است که هرکس در خواب است از خواب می‌پرد و آنها که بیدارند به خواب می‌روند»

علائم ظهور صفحهٔ ۱۰۱۰:

«صدای وحشت آور فقط در رمضان است. گوینده‌ای در آسمان نام قائم رامی برد به طوری که مردم از شرق تا غرب آن را می‌شنوند. از وحشت آن صدا هرکه خواب است بیدار خواهد شد سپس خورشید درنیمهٔ ماه رمضان گرفته خواهد شد»

روز قیام قائم کی خواهد بود؟

علائم ظهورو وقایع بعد از ظهور صفحهٔ ۱۰۷۹:

«قائم آل محمد در جمعه‌ای که عاشوراست قیام خواهد کرد»

در روایات دیگر قیام قائم رادر جمعه‌ای می‌دانند که مصادف با نوروز ایرانیان است.

علائم ظهور صفحهٔ ۱۰۶۲:

«نوروز روزی است که قائم ما در آن روز ظهور می‌کند وخداوند او را بر دجال پیروز می‌گرداند و او رادر مزبلهٔ کوفه به دار می‌آویزد»

علائم ظهور صفحهٔ ۱۰۲۷:

«بنی مرداس(یعنی فرزندان ضحاک) دولت نیرومندی خواهند داشت. ولی در طول حکومت خود کار نیکی انجام نمی‌دهند.حکومت آنها برای مردم طاقت فرساست وآسایشی در آن دیده نمی‌شود و نزدیکان را از خود دور می‌کنند.هنگامی که از انتقام الهی وکیفراو غافل می‌مانند، ناگهان با یک صیحه چنان دمار از روزگار آنان برآورند که یکنفر نماند آنها را صدا زند. و جمعیتی باقی نخواهد ماند که به دور آنها جمع شوند»

باب ششم روایات اهل تسنن،صفحهٔ ۲۷۹:

«این امرکی واقع می‌شود گفت وقتی که علم از میان برود نادانی پدید آید و قاریان قرآن زیاد شوند و قتل نفس بسیار شود فقهای راهنما قلیل و فقهای ضلالت پیشه و خیانت کار افزون گردند و شاعران بسیار باشند.امت تو قبرستانهای خود را مسجد کنند وقرآنها را زینت دهندو مسجدها منقش شود»

«اخبار پراکنده»

علائم ظهور صفحهٔ ۹۵۸:

«زمانی براین امت خواهد آمد که از قرآن جزرسم و از اسلام جزاسم نماند، آنها خود رامسلمان می‌نامند در حالی که از هر کس به اسلام دورترند.مساجد آنها آباد ولی از لحاظ هدایت و تقوی خراب است. دانایان آنها بدترین دانایانی هستند که در زیر آسمان زندگی می‌کنند،فتنه و آشوب از آنها سر می‌زند و هم به سوی آنها باز می‌گردد.»

علائم ظهور صفحهٔ ۱۰۴۶:

«وعلت اصواتکم فی مساجدکم ـ وقتی صدای شما در مساجد بلند شود»

علائم ظهور صفحهٔ ۱۱۴۲:

«در زمان ظهور قائم اگر یک فرد در مشرق باشد برادرش را در مغرب می‌بیند و آنکس که در مغرب است برادرش را در مشرق می‌بیند»

علائم ظهور صفحهٔ ۱۱۶۳:

«بغداد در آنزمان مشمول لعنت و غضب خداوند است. ای وای بر بغداد و مردم آن از خطر لشکری که با پرچمهای زردو لشکری که با پرچمهای خود از مغرب زمین می‌آیند ولشکری که از دور و نزدیک به آنجا می‌رود»

علائم ظهور صفحهٔ ۱۰۶۴:

«و دیدی که راه خیر خالی است و دیدی که مرده را جابجا می‌کنند و کسی هم وحشت نمی‌کند.(توضیح نگارنده: پیش از این گفتیم این

کلمه در روایات زرتشتی نیز می‌باشد) ودیدی هر سال بدعت وشرارت بیشتر می‌شود و دیدی که از فقیر دستگیری می‌کنند که به او بخندند و برای غیر خدا براو ترحم می‌آورند و دیدی که علائم در آسمان پدید می‌آید ولی هیچ کس نمی‌ترسد و دیدی که مردم در ملاء عام مانند حیوانات(به منظور اعمال زشت) روی هم می‌جهند وکسی ایشان را تقبیح نمی‌کند و دیدی که بی احترامی به پدر و مادر آشکار می‌گردد و دیدی که فرزند از مرگ پدر و مادرش خوشحال می‌شود»

«منتظران ظهور مهدی موعود»

درکتاب مهدی موعود دو دسته از منتظرین مهدی موعود در آخرزمان وجود دارند:

۱ـ«محاضیر» ۲ـ«مقربون»

محاضیر منتظرانی هستند که آرزوی ظهور مهدی را دارند. ولی چون مهدی ظهور کند آنها به هلاکت می‌افتند.

مقربون منتظرانی هستند که تعدادشان بسیار کم است و چون مهدی ظهور کند در کنار او خواهند جنگید.

انتظار فرج امام زمان صفحهٔ ۹۰۹ و ۹۱۰:

«امیرالمؤمنین فرمود هنگامی که خاطب به هلاکت افتد و دلهای مردم منقلب شود. آنها که آرزوی ظهور را دارند، به هلاکت افتند و از میان بروند وآنها که ایمان به آمدن صاحب عصر دارند باقی و ثابت می‌مانند.ولی اینان اندکی بیش نیستند و در رکاب آن حضرت جهاد خواهند کرد»

«امام صادق(ع) فرمود: محاضیر به هلاکت می‌افتند. آنها کسانی هستند که دربارهٔ ظهور شتاب دارند و مقربون نجات می‌یابند و بر شالودهٔ خود ثابت می‌مانند»

قائم پس از ظهور چه کار خواهد کرد؟

علائم ظهور صفحهٔ ۹۷۹:

«امام صادق فرمود: موقع ظهور صدا زننده‌ای قائم را به اسم نام می‌برد این صدا عمومی است وهرملتی به زبان خود آن را می‌شنود»

علائم ظهور صفحهٔ ۱۱۲۰ و ۱۱۲۳ و ۱۱۲۵:

«هنگامی که قائم قیام کند با امر جدیدی می‌آید چنانکه رسول خدا در آغاز اسلام مردم را به امر جدیدی دعوت کرده بود»

«قائم با امر جدید وکتاب جدید وحکم جدید که بر عرب دشوار است قیام می‌کند. کار وی شمشیر و جنگ است توبهٔ هیچ کس رانمی پذیرد»

«آنچه از آثار بدعت و گمراهی قبل از وی بوده است منهدم می‌کند چنانکه پیامبر جاهلیت را منهدم کرد. آنگاه از نو اسلام را از سر می‌گیرد»

نکتهٔ جالب اینست که قائم درهنگام ظهور محبوب اکثر مردم نیست!

علائم ظهور صفحهٔ ۱۱۲۴:

«اگر مردم می‌دانستند قائم هنگام ظهورش از بسیاری کشتن مردم چه می‌کند، بیشتر آنها دوست داشتند او را نمی‌دیدند. تاجایی که بسیاری از مردم بدبین می‌گویند: این مرد از خاندان پیامبر نیست.او اگر از آل محمد بود بر مردم رحم می‌کرد»

علائم ظهور صفحهٔ ۱۱۲۹ و ۱۱۳۳:

«وقتی پرچم حق آشکار شد مردم شرق و غرب آن را لعنت می‌کنند»

«قائم ازمکه ظهور نمی‌کند تا اینکه حلقه کامل شود. و حلقه ۱۰۰۰۰ نفرند که جبرئیل و میکائیل در جوانب آنها هستند، آنگاه پرچم پیروزمند خود را برافراشته و به حرکت می‌آورند. هرکس در شبرق و غرب است آن را لعنت می‌کند»

امورى كه قائم آل محمد انجام مى‌دهد:
علائم ظهور صفحهٔ ۱۱۱۲ و ۱۱۱۷ و ۱۱۲۱ و ۱۱۳۷ و ۱۱۳۹ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹:

«امام حسن عسگرى(ع) فرمود: هنگامى كه قائم قيام كند دستور مى‌دهد مناره‌ها و اتاقهايى را كه در مساجد مى‌سازند خراب نمايند زيرا تمام بدعت است»

«امام صادق (ع) فرمود: هنگامى كه قائم ما قيام كرد چهار مسجد را در كوفه منهدم مى‌كند و هيچ مسجد مشرفى را نمى‌گذارد جز اينكه كنگره و اشراف آن را خراب مى‌كند. شاهراها را توسعه مى‌دهد»

«چون قائم قيام كند به ميدان كوفه مى‌آيد و دوازده هزار لباس رزم و شمشير بيرون مى‌آورد و مردم عجم را مى‌خواند و آن سلاح را به آنها مى‌پوشاند»

«او مساجد و مشاهد دينى راخراب مى‌كند و به طريقهٔ حضرت داوود حكم مى‌كند»

«عيسى بن مريم درميان شما مسلمانان فرود مى‌آيد وصليب را مى‌شكند و خوک را مى‌كشد و جزيه دادن از ميان مى‌رود و در زمان او تمام اديان از ميان مى‌رود مگر اسلام كه باقى مى‌ماند ودجال را مى‌كشد»

«با خانهٔ خدا چه مى‌كند؟ فرمود آن را مى‌شكند و برهمان پايه‌اى كه در عهد حضرت آدم بنا شده بود برپاى مى‌دارد و هر آثارى كه در مكه و مدينه و عراق از ستمگران باقى مانده باشد همه را ويران مى‌كند.مسجد كوفه را خراب مى‌كند»

«حضرت صادق (ع) فرمود:قائم مسجدالحرام و مسجدالنبى را خراب كرده،براساس اول مى‌سازد»

...و در آخر:

«سپس او زمین را پر از عدل و داد و نور و برهان می‌کند. تمام مردم جهان در برابر وی تسلیم‌اند. هیچ کافری باقی نمی‌ماند و هیچ بدکاری باقی نمی‌ماند در دولت او درندگان و حیوانات آزادانه زندگی می‌کنند و زمین چنانکه باید گیاهان خود را بیرون می‌دهدو آسمان برکات خود را فرو می‌فرستد. گنجها و معادن زمین برای او آشکار می‌شود و چهل سال بر مشرق و مغرب عالم فرمانروائی می‌کند. خوش بحال آنها که روزگار او را درک می‌کنند و سخنان او را می‌شنوند»

و درپایان،

لازم می‌دانم به ذکر منابعی بپردازم که این نوشتار از روی آنها تهیه شده .

فصل اول، آوازی کهن‌تر از تاریخ برگرفته شده از روی مقالهٔ: Tge fire that never die (آتشی که هرگز نمی‌میرد) می‌باشد. از مجلهٔ National Grographic چاپ سپتامبر ۱۹۸۷. این قسمت ترجمهٔ صفحهٔ ۳۹۸ آن مجله است.

اصل مقاله دربارهٔ زندگی و آداب سرخپوستان کاناداست. رئیس یکی از این قبایل که به شدت معتقد بوده قرن بیستم، آخر دنیاست، شعر آخر دنیا را برای گزارشگر مجله خوانده است. قسمتی از متن چنین است:

...our prohecies say there will be signs of the end of the world we won't be able to drink the water , tress will die from the tops down, babies will be killed like dogs... Now it is all happening : water pollution and acid rain and legal abortion ... Then he id going to send a great terrible wind and...

در فصل دوم، اولین نوید، لازم می‌دانم در باب زندگی دانیال نبی و زکریای نبی توضیحی بدهم.

دانیال پیش از آنکه کوروش کبیر بابل را فتح کند و یهودیان را از بردگی برهاند، در دربار بابلیان به عنوان یک خوابگزار، منجم و پیشگو ارج و مقامی عظیم داشته. به نظر می‌رسد پس از مهاجرت او با کوروش به

ایران نیز، همین مقام را در دربار هخامنشی حفظ کرده. به هر حال دریافت وحی در عالم رویا برای دانیال، در شهر شوش ایران صورت گرفته و لذا او در ایران به مقام نبوت رسیده است.نبوت زکریای نبی بعد از دانیال نبی و به طور کامل در ایران بوده است.

فصل دوم از روی کتاب مقدس ـ عهد عتیق ـ که از متن عبرانـی و کلدانی ویونانی به فارسی ترجمه شده ودر سال ۱۹۰۴ میلادی انتشار یافته‌است. همچنین متن انگلیسی آن The Old Testament از The Holy Bible به طور کامل با این متن تطبیق داده شده است.

فصل سوم، آخرین نبرد،از بهمن یشت و اوستا با ترجمهٔ صادق هدایت است که از روی کتابهای «یادداشتهای پراکنده» و «ظهور و علائم ظهور» برگرفته شده البته این ترجمه را مجدداً با متن اصلی که بزبان پهلوی نوشته شده تطبیق داده‌ام.

در فصل چهارم، مکاشفات یوحنا برای توضیح عدد ۶۶۶ اشاره به جدولی در کتاب دبیره کرده‌ام که آن را عیناً در صفحهٔ آخر ملاحظه می‌کنید.

در همین فصل راجع به توضیح کلمهٔ«آرماگدون» از کتاب « چند نمونه از متن سنگ نوشته‌های فارسی باستان» تالیف پروفسور محمد مقدم استاد زبانهای باستانی ایران و کتاب ادبیات باستانی ایران تالیف محمد قائمی مدرس زبان اوستایی و کتیبه‌های شاهان هخامنشی، استفاده شده است.

فصل پنجم، وقت معلوم تماماً برگرفته از جلد سیزدهم بحارالانوار، تالیف علامهٔ مجلسی است که به نام«مهدی موعود» توسط حجت الاسلام علی دوانی به فارسی ترجمه شده است (چاپ سیزدهم ـ

دارالکتب اسلامیه شیخ محمد آخوندی) متاسفانه دراین قسمت چون متن اصلی را نداشتم نتوانستم ترجمه‌ها را تطبیق دهم.
یادآوری می‌کنم گردآوری این مجموعه را از چند سال پیش به طور جدی آغاز کردم. هرجا هرکتاب و نوشته‌ای راجع به موعود بود کنار گذاشتم.ودر هر مجله و مقاله‌ای هر اشاره‌ای به موعود، هرچند ناچیز را به دقت یادداشت کردم. در این راه ازکمکهای برادر عزیزم بهروز بسیار سپاسگزارم زیرا او با تسلط کاملی که در زبانهای باستانی خاورمیانه و متون باستانی دارد در نگارش این مجموعه و ساده کردن هرچه بیشتر این متون مشکل مرا یاری داد.
در اینجا خاطر نشان می‌کنم که به علل و جهات متعدد از جمله مفصل و مشکل بودن کلیهٔ این متون پیچیدهٔ باستانی، حجمی حدود هفتاد در صد پیشگوییها حذف شده است.به خوانندگان علاقه‌مند به پیگیری توصیه می‌کنم حتی المقدور کتابهای نامبردهٔ زیر را به طور کامل مطالعه فرمایند:
۱ـ بهمن یشت ـ داستان ضحاک ۲ـ متن کامل مکاشفات یوحنا ۳ـ ظهور و علائم ظهور تالیف صادق هدایت ۴ـ متن کامل جاماسب نامه ۵ ـ متن کامل کتاب زکریای نبی در تورات ۶ـ تمامی باب ششم وسی ام ازکتاب مهدی موعود.
در پایان ازکمکهای فکری استاد ارجمند آقای دکتر ابوالفضل رحیمی که این مجموعه را با رهنمود و تشویق ایشان گردآوری کردم، سپاسگزارم و این امتنان را از زبان مولوی چنین بیان می‌کنم:

ای ضیاءالحق حسام الدین توئی   که گذشت ازمه بنورت مثنوی
همت عالی تو ای مرتجا   می‌کشد این را خدا داند کجا
چون تو می‌خواهی خدا خواهد چنین   می‌دهد حق آرزوی متقین
مثنوی را چون تو مبدا بوده‌ای   گرفزون گردد تواش افزوده‌ای

و سخنی با منتظران دیدارش...

اگر دیرباوریم، اگر ناباوریم، حتی اگر تمامی آنچه راکه پیشینیان در این باره گفته‌اند، لاطائلات مشتی مردم نا امید و خیالپرداز تاریخ بدانیم که همواره برای دلخوشی خودشان به هم بافته‌اند، بازهم در اعماق وجود خویش ندایی را خواهیم شنیدکه با قدرت و قاطعیت تمام می‌گوید:

«آخرین بت شکن خواهد آمد»

و«بت»، مفهوم بت را یکبار برای همیشه در ذهنها خواهد شکست.
من ایمان راسخ، امید روشن و باور بیشک دارم که نسل جدید موعود را خواهد دید.

پرواز ترا عقابها منتظرند
آواز ترا چلچله‌ها منتظرند
ای داغ‌ترین خبر درین عصر سکوت
بشتاب که روزنامه‌ها منتظرند

نام اعداد در اوستا	نام اعداد در پهلوی	عدد بحروف یا حرف اول آن	ارقام فارسی ده قرن پیش	ارقام مغربی	ارقام فارسی چند قرن پیش	ارقام کنونی	ارقام اروپایی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۱	1
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۲ ۲	2
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۳ ۳	3
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۴ ۴	4
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۵ ۵	5
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۶ ۶	6
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۷	7
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۸	8
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۹	9

کتابهای منتشر شده توسط مؤسسهٔ انتشاراتی لاهوت

۱ـ کرامات الحسینیه(مجموعه‌ای از کرامات امام حسین علیه السلام)	۹۰۰ تومان
۲ـ کرامات العباسیه(کرامات حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام	۱۰۰۰ تومان
۳ـ درمحضرلاهوتیان(احوالات وکرامات جعفر آقای مجتهدی ره)	۲۵۰۰ تومان
۴ـ سینای معرفت(احوالات وکرامات آیت‌الله میرزاکاظم تبریزی ره)	۸۰۰ تومان
۵ـ مفاتیح الصحة(روایاتی در مورد سلامتی وخواص گیاهان)	۵۰۰ تومان
۶ـ هدایة الطالبین(در شرح آداب المتعلمین خواجهٔ طوسی ره)	۴۰۰ تومان
۷ـ النساء(زن از دیدگاه روایات اسلامی)	۶۰۰ تومان
۸ـ ارمغان هند وپاک(عزاداری‌هاو زندگی مردم هندوستان وپاکستان)	۷۰۰ تومان
۹ـ علائم آخرالزمان(روایاتی پیرامون آخرالزمان درایران وتهران)	۱۲۰۰ تومان
۱۰ـ علائم آخرالزمان (درادیان و ملل مختلف)	۵۰۰ تومان
۱۱ـ جزر ومد عالم‌ارواح (روایاتی درمورد عروج ارواح	۴۰۰ تومان
۱۲ـ تالار خاطرات عشق(مطالبی در مورد عشق)	۶۰۰ تومان
۱۳ـ منتخبی از نامه‌های امام زمان(به انضمام زیارت ناحیهٔ مقدّسه)	۴۰۰ تومان
۱۴ـ زیارت ناحیهٔ مقدّسه (به انضمام زیارت عاشورا ودعای توسّل)	۲۳۰ تومان
۱۵ـ أَیْنَ الرَّجَبیّون(دعاهای ماه رجب و اعمال ویژهٔ اعتکاف)	۲۰۰ تومان
۱۶ـ ارتباط باخدا(به‌انضمام ختم‌انعام،نمازهای‌ایام‌هفته،هدیه‌احمدیه)	۵۰۰ تومان
۱۷ـ سفیرثارالله(مدایح ومراثی مسلم‌بن عقیل وطفلان‌مسلم علیهم السلام	۸۰۰ تومان
۱۸ـ شیون عرشیان(مجموعه‌ای از مراثی دو ماهٔ محرم وصفر)	۹۰۰ تومان
۱۹ـ هدیه عشق (مجموعه در رابطه با حضرت علی اصغر علیه السلام	۱۰۰۰ تومان
۲۰ـ قفل شکسته (اثرطبع استاد سید حسن خوشزاد)	۲۱۰۰ تومان
۲۱ـ یک دریاعطش (اشعار عاشورایی،استاد محمدعلی مجاهدی	۶۰۰ تومان



۲۲ـ گنجینةالاسرارعمان سامانی باتصحیح محمدعلی مجاهدی	۱۲۰۰ تومان
۲۳ـ غربت درکوچه‌بنی‌هاشم(اشعارپیرامون حضرت‌زهراعلیهاالسلام	۹۵۰ تومان
۲۴ـ شجرهٔ طیّبه (زندگی چهارده معصوم و پیامبران)	۱۷۰۰ تومان
۲۵ـ خون خدا(زندگی حضرت سیّدالشهداءازتولد تاشهادت)	۹۰۰ تومان
۲۶ـ فضائل وآثار عجیب اعمال(در دنیا وآخرت)	۸۰۰ تومان
۲۷ـ امام زمان(عج) وحضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام	۵۰۰ تومان
۲۸ـ امام زمان(عج) واسیران(عنایات امام زمان(عج) به اسیران)	۶۵۰تومان
۲۹ـ امام زمان(عج) ومولودها(مجموعه عنایات امام زمان(عج))	۴۵۰ تومان
۳۰ـ امام زمان (عج) کودکان را دوست دارد	۶۰۰ تومان
۳۱ـ امام زمان(عج) و ازدواج جوانان	۶۰۰ تومان
۳۲ـ دائرةالمعارف استخاره(کاملترین وجامع‌ترین کتاب استخاره)	۱۵۰۰ تومان
۳۳ـ فلسفه موسیقی (مضّرات موسیقی از دیدگاههای مختلف)	۱۰۰۰ تومان
۳۵ـ کیمیاگر(رمان معروف پائلو کوئیلو)	۱۴۰۰ تومان
۳۶ـ ویندوز (آموزش جادویی ویندوز)	۶۰۰ تومان
۳۷ـ تندنویسی (آموزش جادویی تندنویسی)	۲۰۰ تومان
۳۸ـ اینترنت (آموزش جادویی اینترنت)	۵۰۰ تومان
۳۹ـ پارتیشن‌بندی (آموزش جادویی پارتیشن بندی)	
۴۰ـ کلیدهای آشپزی (چهار جلد)هرجلد	۵۰۰ تومان
۴۱ـ دختران فرار چرا؟(داستانهای واقعی از دختران فراری)	۶۵۰ تومان
۴۲ـ زنگ خطر برای دختران جوان ۴۵۰	تـــــــومان
۴۳ـ آیا چشم نظر صحیح است؟(مطالبی در مورد چشم ونظر)	۴۵۰ تومان
۴۴ـ آیین ازدواج و زناشوئی	۶۵۰ تومان

۴۵ـ به هم نخندید باهم بخندید	۶۵۰ تومان
۴۶ـ مجموعه‌ای از فالنامه‌های کهن(شامل فالنامه شیخ بهائی و...)	۲۵۰ تومان
۴۷ـ ای نوشته روی قلبم (مجموعهٔ شعر خانم طاهره نیازمند)	۵۰۰ تومان
۴۸ـ من دوجنسی هستم(مسائل مربوط به افراد دوجنسی)	۵۰۰ تومان
۴۹ـ من دختری فراری هستم(عاقبت دختران فراری)	۵۰۰ تومان
۵۰ـ من قاتل هستم(سرگذشت قاتلین و جنایتکاران)	۵۰۰ تومان

کتابهای در دست چاپ

۱ـ شمع جمع مرحوم فؤاد کرمانی (با تصحیح دکتر پرویزعباسی داکانی)

۲ـ برگزیدهٔ اشعار پادشاهان قاجار(با تصحیح دکتر پرویز عباسی داکانی)

۳ـ دریای بی‌کرانه (مجموعه بی‌نظیر شامل بحر طویلهای مذهبی)

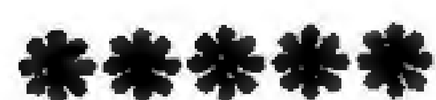
۴ـ نالهٔ هجران (مجموعه اشعار در رابطه با آقا امام زمان(عج))

۵ ـ مجموعهٔ شعر نو (شامل زندگی نامه وبرترین آثار شعرای این سبک)

۶ـ برای هر مسئله‌ای یک راه حل معنوی وجود دارد(اثر واین دایر)

۷ ـ گنج خانواده (مجموعه مطالبی در مورد خانه و خانواده)

۸ـ طلسم عشق به ضمیمه یس مغربی



جهت تهیهٔ کتابهای فوق، می‌توانید مبلغ آنرا به شماره حساب ۳۰۳۵۰۰۵/۹۵ بانک رفاه کارگران شعبهٔ مرکزی تهران به نام مؤسسه انتشاراتی لاهوت واریز و فیش آن را به آدرس تهران ـ سه راه طالقانی(تقاطع طالقانی وشریعتی) ساختمان ۴۳۸ طبقه چهارم ارسال و یا به شماره تلفن ۷۵۲۴۵۴۰ فاکس نمایید تاکتابهای درخواستی شما در اسرع وقت برای شما ارسال گردد. هزینهٔ پست توسط مؤسسه پرداخت خواهد شد.